باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت: ۱۱۰۷۰

رده‌بندی دیویی ۱۳۵۱ آ ۱۵۹ ل ۲۹۷/۴۶۲ مرجع ☐

سرشناسه: ناصح دهخوارقانی، علینقی

عنوان قراردادی:

عنوان: آیات الظهور فی انتظار الفرج والسرور و آیات رجعة الائمة.

شرح پدیدآور:

کاتب: ناصح دهخوارقانی (مولف) تاریخ کتابت:

محل نشر: [بی‌جا] ناشر: [بی‌نا] تاریخ نشر: ۱۳۵۱ ق

صفحه شمار: (۱۱۲، ۱۶ص) مصور☐ درسی☐ گراور یا افست☐

زبان: فارسی ابعاد: ۱۸×۱۱ نوع خط: نسخ

روش تهیه: وقفی☐ اهدایی☐ خریداری☑ ارسالی☐

واقف: خریداری تاریخ ثبت: شهریور ۱۳۲۷

یادداشتها: شرح ضمائم: منظومه در علل غیبت از مولف.

موضوع(ها): ۱. مهدویت - جنبه‌های قرآنی ۲. رجعت - جنبه‌های قرآنی.
۳. شعر فارسی - قرن ۱۴ ق.

شناسه(های) افزوده: الف. ناصح دهخوارقانی، علینقی، کاتب. ب. عنوان.
ج. عنوان: منظومه در علل غیبت.

فهرستنگار: شیبانی تاریخ فهرستنگاری: خرداد ۸۳

٧١٣

باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت: ۱۱۰۷۰

رده‌بندی دیویی ۱۳۵۱ آ ۱۵۹ ن ۲۹۷/۴۶۲ مرجع ☐

سرشناسه: ناصح دهخوارقانی، علینقی

عنوان قراردادی:

عنوان: آیات الظهور فی انتظار الفرج والسرور و آیات رجعة الائمة.

شرح پدیدآور:

کاتب: ناصح دهخوارقانی (مولف) تاریخ کتابت:

محل نشر: [بی جا] ناشر: [بی نا] تاریخ نشر: ۱۳۵۱ ق

صفحه شمار: (۱۱۲، ۱۶ ص) مصور ☐ درسی ☐ گراور یا افست ☐

زبان: فارسی ابعاد: ۱۸×۱۱ نوع خط: نسخ

روش تهیه: وقفی ☐ اهدایی ☐ خریداری ☑ ارسالی ☐

واقف: خریداری تاریخ ثبت: شهریور ۱۳۲۷

یادداشتها: شرح ضمایم: منظومه در علل غیبت از مولف.

موضوع(ها): ۱. مهدویت - جنبه‌ی قرآنی ۲. رجعت - جنبه‌ی قرآنی.
۳. شعر فارسی - قرن ۱۴ ق.

شناسه(های) افزوده: الف. ناصح دهخوارقانی، علینقی، کاتب. ب. عنوان.
ج. عنوان: منظومه در علل غیبت.

فهرستگار: شیبانی تاریخ فهرستگاری: خرداد ۸۸

۲۹۷/۴۶۲
۱۵۹۲ آ ن
۱۳۱۱
۳۱۸

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب آیات الظهور فارسی
مصنف مولف حاج میرزا علیقلی
اسیدزدائی شد
۸۸/۳/۲۴
خطی سنگی نسخ تهران
چاپی
سال چاپ یا تحریر ۱۳۵۱ ق عدد اوراق ۱۶ ص ۱۲
جزء کتب تفسیر شماره عمومی ۱۱۰۷۰
شماره عمومی ۱۲۶۶۴ شماره قبض
واقف خریداری آستان قدس تاریخ وقف تحریر ۱۳۲۷
طول ۱۷ عرض ۱۱ کنجه

اسید زدائی شد
۶۹/۱۰/۱۵

سال ۱۳۱۸ خورشیدی
بازبینی شد

محمد خطی

تألیف
العبد الجانی

هذا
کتاب آیات
الظهور فی انتظار
الفرج والسرور وروایات
رجعة الائمة علیهم السلام
والحیاة الی الدنیا الدنیة
ما دامت دار تکلیف
ومعیشة قصیرة
وحقیرة

[illegible]

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

هذا کتاب آیات الظهور فی انتظار الفرج والسرور وآیات رجعة الأئمة علیهم السلام والتحیة

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی ابدع الکاینات وانزل الآیات علی نبیه محمد صاحب الدلالات منبع الفخارات
مجمع الکمالات والصلوة والسلام علیه وعلی عترته شموع طریق العبودیة فی ظلمات
الفتن والضلالات الذین الیهم فی معضلات القرآن المبهمات یرجع السؤالات سیما
ابن عمه علی الذی الیه ینتهی الواعظ وانفع المقالات وعنده تفسیر المضمرات
فی الحروف والکلمات ولدیه حقیقة التأویلات واللعنة الدائمة علی اعدائهم ما
دامت الارض والسموات **وبعد** از آنجائیکه بر هر کس از اهل دیانت
که از علم بهره دارد ومیتواند باندازه فهم کسانیکه از زیور دانش عاطل اند
سخن راند و بعالم تدین خدمتی نماید لازم و واجب بر اثبات قدم عوام

مسلمین

مسلمین و مزید بصیرت جوانان از مؤمنین آنچه با امکانات آید ساکت ننشیند و از
غفلت روا ندارد فلذا این بنده سرتا پا تقصیر الحاج الواعظین علیقلی
ناصح دهخوارقانی که از بدو شباب تعلیمات و ارشاد اطفال لاابالی و تربیت جوانان را
تکلیف وطن عزیز خود (ایران) را منظور داشته و این طریقه را وظیفه
خود دانسته است چون دیدم بعض مبلغین مذاهب باطله بواسطه آزادی
قلم و گشاده بودن راه سخن و بسبب معاشرت و هم گردیدن با این جوانان ساده با پاره
کلمات شبهه انگیز و فتنه انگیز و نقل اقاویل ملفقه آمیز در ضمن دومانهای شیرین و
خوش مغالطات ظاهرا اغلاق و عوام پسند آرای سخنان بزم شوند و بدینها ذهنهم را
شوقهای دلکش در قلوب بیشتر این نوع جوانان القاء شبهه میکنند و نزدیک
است قدم آنها را از بی اطلاعی از اخبار و احادیث سست نموده و
ملعونها از طریق و جاده شرع دین بوادی حیرت و ضلالت اندازند و بسوی
مسلک فاسد خودشان سوق نمایند و در اخبار و احادیث راجعه بظهور
امام دوازدهم حضرت حجة بن الحسن عجل الله تعالی فرجه و رجعت ائمه
علیهم السلام تصرفات باطله و مداخله های عوام فریب کنند و با حضرات
علماء اعلام حاضر مناظره نمی شوند و البته نمی توانند که حاضر بشوند

شعر نطق عیسی چگونه داند کر نور موسی چه گونه بیند کور

مثل شب پره در تاریک خانه ها و کنار گوشه ها این جوانان را از [illegible]
شیطانی انداخته تبلیغات می کنند این جوانها هم بدبختانه بسبب [illegible]
آمده باحکام هوا و هوس مایل شده بمشتهیات نفس بی علاقه و نشاط جوانی [illegible] کردند

سال ۱۳۱۸ خورشیدی
بازبینی شد

نرسانند و بی سعادتی و عدم توفیق از مجالس علماء اعلام کثر الله امثالهم
و از فیض محافل سراپا افاضه ان پاسداران دین و حافظان شرع مبین
دور افتاده اند و با کتب اخبار انس ندارند و بآیات قرآنی بسبب عدم علاقه
هم آشنا نیستند علاوه از معنای ظاهری آیات استدلال و احتجاج بدون
معاونت احادیث معتبره بطرف مقابل جایز نمیشود و این حقیر باین وضع
ناظر و در بحث مطالعه کرفته بودم و عاقبت وخیمه از ملاحظه
می نمودم پس دامن همت بر کمر زده با ضعف حال و تشتت خیال با
حرکت متوجه باین صدد آمدم که بقدر امکان شاید این گروه
ضاله و مضله را از ساحت دیانت نوباوگان وطن خود دفع نمایم
اگرچه از هزار دولت نفر باشد بمفاد آیه کریمه وَمَنْ اَحْیٰی نَفْسًا
فَکَاَنَّمَا اَحْیَی النَّاسَ جَمِیعًا این نیت و اقدام را مایه رحمت و نشانه
سعادت دانسته و در نیل مرام تمسک بقرآن مجید نمودم و بحبل المتین
عروة الوثقی توسل جستم آیاتی را که تاویل و تفسیر شده بظهور
حضرت حجة الله الاعظم و رجعت حضرات ائمه علیهم السلام آنچه
میسر گردد و دسترس باشد با زبان فارسی بعبارت واضح و
افکار از تفسیر و تاویل حضرات ائمه علیهم السلام و التحیة از کتب
معتبره علماء شیعه رض بدون مداخله نمودن و تمیز دادن بمنبه ها
آنها محض شمول رحمت الهی از دریای کرم نامتناهی برای ازدیاد بصیرت
جوانان طالب هدایت ترجمه نمایم باز امید که این پرهیزگاری را برحمت

یاد کنند شعرا یا دهر ساعد علی بغیتی و یا عمر کن بعض
اسبابها و با اعتماد و اعتبار کتب معتبره که مصنفین معتمد رضوان
الله علیهم بعد از اختیار کردن و تمیز دادن رجال و رواة اخبار را
نقل کرده و نوشته اند احادیثی که در ضمن ترجمه آیات بمناسبت ذکر
میشود در رساله نوشتم یعنی بدون نام بردن از راوی که با ملاحظه ایجاز
و اختصار از شرح خالی میباشد و هر مطالعه کننده کان هم از تعداد
اسامی رواة مشوب نمی کردد و مطلب زود بدست میاید و در خاتمه
بعرض میرسانند اگرچه بچه بصحبت و مکالمه این غولان راه دین یعنی مبلغ
های معاندین کرفتار آیند و دچار شوند در قلب پاک و صاف خود بنای
از تاثیر بیانات آنها خاطره و تشویشی یافت شد مراجعه بآیات قرآنی نماید
که بمفاد آیه شریفه (وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْاٰنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِیْنَ)
استشفا جویند زیرا که شفاء هر مرضی در قرآن مجید است که یکی از نام
های مبارکش شفاء است و دیگر اینکه شنیده ها را با محکمات قرآن
آیات موافق فرموده تفسیر امامیه مطابقه دهند اگر مخالف
شد بر دیوار زنند تا ببرکت تبعیت قرآن از ضلالت در امان
ایمن باشند و از راه دین بیرون نروند و قید محکمات بملاحظه
این است که اکثر مفاسد طلوع نمودن مذاهب باطله بواسطه تاویل
و تفسیر کردن آیات و اخبار متشابهه از جاده شرع کج شده
و بضلالت افتاده اند زیرا که تاویل متشابهات را بعید اند بعض

بوده که
بسبب آن
من

قرآن مجید مکر خدا و رسول او و ائمه علیهم السلم که خداوند میفرماید لا یعلم تاویله الا الله و رسوله والراسخون فی العلم و مراد از راسخون بمفاد تمامی تفاسیر شیعه ائمه معصومین ع است و این نکته را بطور یقین دانسته و در نظر داشته باشند هر کس که با محکمات قرآن و اخبار محکمه حضرات ائمه ع هدایت نشود و رشد نیابد دیگر برای او هادی و راه نمائی نخواهد شد بشرطیکه آن ایه را امام تفسیر و یا تاویل نماید که اگر غیر امام تاویل و یا تفسیر نماید بمفاد کریمه ولا یزید الظالمین الا خسارا نمی افزاید مگر خسارت و گمراهی بیدینی را چنانچه احادیث باین مضمون از ائمه علیهم السلام وارد شده از جمله حدیث شریف (من فسر القرآن برایه فقد کفر و حدیث شریف دیگر (من فسر القرآن برایه فلیتبوأ مقعده من النار **و ایضاً** حدیث شریف) قال النبی ص انا اخوف ما اخاف علی امتی ثلث خصال ان یتأولوا القرآن بغیر تاویله الی آخر الحدیث و از این احادیث معلوم میشود که غیر از ائمه علیهم السلام احدی را حق تفسیر و تاویل نیست مگر اینکه از طرف ایشان نقل کند الا باعث ضلالت و موجب هلاکت است و از دین حنیف خارج میگردد **اما** کسانیکه در قلوب ایشان زیغ یعنی کجی است محکمات قرآن و اخبار را کنار گذاشته متشابهات را تعقیب مینمایند چنانچه خداوند تعالی میفرماید (فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة وابتغاء تاویله وما یعلم تاویله

یعنی هر کس تفسیر کند قرآن را برای خود و بمیل باید بنشیند نشیمنگاه خود را از آتش

الا الله والراسخون فی العلم یعنی اشخاصی که در قلبهای ایشان کجی است پس تابع میشوند متشابهات را بجهة جستن فتنه و برای تحصیل معانی آن و نمیدانند معنای تاویلی آنرا مگر خدا و محکم شوندگان در علم و سؤال از حضرت محمد الباقر ع با قتاده مفسر اهل مصر و با ابوحنیفه قاضی اهل کوفه و مفتی در قضایای متعدده مشهوره در بحار جلد یازدهم مسطور است که چه غلط کاری و جهالت ایشانرا بخود ایشان حضرت محمد الباقر ع ثابت کرده و در اکثر مجالس در تفسیر آیات بجهل خود اعتراف کرده اند و هکذا المخالفین عهد هر امام که در کتب اخبار مشروحاً مندرج می باشد **خلاصه** غرض از تسوید این اوراق ذکر آیات مؤلد و مفسره بظهور حضرت ولیعصر و رجعت سایر ائمه علیهم السلام است بدینا پس متوکلا علی الله و هو الموفق والمعین و متوسلا بالائمة الاطهار ع بالخصوص بولی عصر امام زمان ع ارواح العالمین له الفداء در شب دوشنبه بیست و دوم شهر رجب المرجب سنه ۱۳۵۰ یکهزار و سیصد و پنجاه هجری که شب وفاة معویة بن ابی سفیان و شب شادی شیعیان است تفألا شروع بتحریر شد امیدوارم که حضرات محدثین و اهل علم و ارباب کمال با نظر عاطفه آمیز از لغزشهای قلم این بی بضاعت اغماض نموده و باحسن توجه تلقی فرمایند **آیه اول** قوله تعالی فی سورة البقرة ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوة و مما رزقناهم ینفقون یعنی این کتاب شک نیست در آن

داده نماینده است از برای پرهیزکاران آن کسانند که ایمان آورند
بر غیب و برپا میدارند نماز را و از آنچه روزی کرده ایم ایشان را خرج می
نمایند در مجلسی بیان ذلک اجمالاً ابدا آنکه غیب چیزیست که از حواس
غایب باشد یعنی حواس ظاهره را بر آن تسلط نباشد مثلاً چشم آن را نه
بیند و آنچه چشم آن را نمی بیند دو قسم است یک قسم محال است دیدن آن
مثل ذات باریتعالی که دیده نمی شود نه در دنیا و نه در آخرت عقلاً
و سمعاً عقلاً بجهة اینکه ذات مقدس از انواع جسم نیست که مرئی شود
سمعاً بموجب آیات قرآن از جمله فرمایش خداوند تعالی لن ترینی یا موسی
که لن از برای تابید است یعنی ابدا ممکن نیست دیدن ذات باریتعالی و
حدیث فرمایش حضرت امیر المؤمنین ع بآن اعرابی که عرض کرد رأیت
ربک فرمود ویلک لا تدرکه الابصار و لکن تدرکه البصائر
بحقایق الایمان یعنی چشمها ظاهر او را نمی بیند لکن درک می کنند او
را دیده های باطن بحقیقت ایمان و امثال این حدیث بسیار است
قسم دویم غیب آنست که بسبب مانعی چشم آن را نه بیند همین که مانع رفع
شد قابل رؤیت میباشد و چشم آن را می بیند مثل برزخ و بهشت
و دوزخ و حور و غلمان و وجود حضرت حجة الله الاعظم عجل الله تعالی
فرجه که پرده حکمت و مصلحت در پیش چشم بندگان کشیده
شده است همین که مقتضی و مصلحت طایفه بشر که عبادت آن
اشتمال فواید دنیا و دین است پیش آمد مانع از هر جهت رفع

و برداشته

و برداشته شد آن بزرگوار ظاهر شده و آفتاب جمال دنیا را بنور
جمال خویش روشن میگرداند بلی خورشید صفت است که شب پره
چشمان و خفاش طبیعتان از فیض مشاهده جمالش بی نصیب است ولی
آنهائیکه چشم بی عیب دارند و دیده بصیرتشان باز است برای ایشان
بمنزله مشاهده چشم دیده می نماید و از ایشان محجوب نیست و اشخاصی که بزیارت
طلعت غراء فایز شده اند کتابها پر است و بنام و نشان و قبیله معروف می
باشند بدرجه که مخالفین ما مصنفین اهل سنت جماعتی از استفاضه کنند
کان حضورش در تالیفات خود حکایتها کرده اند و در کتب شیعه مثل آقای
مجلسی ره و آقای نوری مجلسی ثانی اعلی الله مقامهما نجم الثاقب و نور الانوار و
مشکوة الانوار آقای شیخ علی اصغر بروجردی رضوان الله علیه و غیرهم بحد تواتر
رسیده و مثل آفتاب روشن است خلاصه غرض از این جزوه فقط
جمع آیات مشتمله بر ظهور حضرت حجت و رجعت ائمه معصومین ع و علل غیبت
آن بزرگوار است از حضرات محدثین شیعه از مجتهدین مسلم القول در کتب
معتبره با اطراف درج فرموده اند مثل غیبت طوسی ره و غیبت نعمانی ره
و جلد سیزدهم بحار مجلسی ره و اکمال الدین صدوق قدس سرهم و کتاب
البیان فی اخبار صاحب الزمان ع للشیخ الحافظ ابی عبد الله محمد بن یوسف
شافعی که در سال ۶۵۸ هجری وفات نموده و ینابیع المودة تالیف شیخ
سلیمان بن ابراهیم قوندوزی که دربار بوده و سیر و سایر کتب از شیعه و اهل
سنت که مملو هستند از دلایل غیبت هر کس طالب باشد بآنها رجوع
نماید تا بر یقینش بیفزاید از تالیفات مشتمله بر علل غیبت تالیفی

که مردمان بی سواد و اشخاص بی علم را بهره و نصیب بیشتر از اکثر کتب علل غیبت باشد علل منظومه این حقیر است که جزو اخیر و قسمت ثانوی این تالیف است که نزدیک بفهم عوام و امثالش آسان است بان رجوع فرمایند و این عبد عاصی را بطلب مغفرت یاد کنند بدانکه علت تام برای غیبت امام چنانچه عقیده تمام مؤمنین است این است هر چیزی که قرین حکمت و مشتمل بر صلاح ان چیز عقلاً لطف است و قتیکه از مفسده خالی گردید بر خدای تعالی واجب است که از برای بندگان عطا فرماید لهذا اینکه حجت خود را که لطف است بر بندگان در پس پرده نگه داشته موافق حکمت و مطابق مصلحت است و خلاف این خالی از مفسده دنیوی و اخروی نیست این مطلب کفایت است برای کسیکه طالب هدایت بوده و بصیرتی داشته باشد معلوم گردید که غیب بتفسیر شده بذات باری تعالی و آخرت و بهشت و دوزخ و حور و غلمان و بوجود حضرت حجت در اتصاف باین صفت آن بزرگوار را امتیازیست مخصوص چنانچه شیخ اجل خواجه نصیر الدین طوسی ره در دوازده امام خود بدین نهج سلام میکند اللّهم صلّ وسلّم وزد وبارك على صاحب الدعوة النبوية والصولة الحيدرية والعصمة الفاطمية والحلم الحسنية والشجاعة الحسينية والعبادة السجادية والمآثر الباقرية والآثار الجعفرية والعلوم الكاظمية و

الحجج الرضوية والجود التقوية والنقاوة النقوية والهيبة العسكرية والغيبة الالهية القائم بالحق والداعي الى الصدق المطلق الى آخره و در شرکت آن بزرگوار در خصایص جد پدران بزرگوار خود امتیازی است علی حده بر کرده‌ایم بما نحن فیه در حدیث است که حضرت صادق ع فرمود که مراد از متقیان بغیب ایمان میاورند آنانند که بقیام قائم ع اقرار مینمایند و می گویند که ظهور آنحضرت حق است و واقع خواهد شد در خبر دیگر فرمود مراد از متقیان شیعیان علی ع و مراد از غیب حجت خداست که غایب خواهد شد **ایه دوم** در سوره هود ع در ایه ۹۳ **قوله تعالی** وَارْتَقِبُوا اِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ یعنی و انتظار دارید بدرستیکه من با شما رقیبم یعنی نگهبانم آن انتظار را بدانکه رقیب کسی را گویند ابدا از حالت منتظر غفلت ننماید و مقصودش از هوا و بدن غفلت در تحت نظر دارم ارتقاب ابلغ از انتظار است ایه سیم در سوره اعراف ایه ۷۱ **قوله تعالى** فَانْتَظِرُوا اِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ یعنی پس منتظر باشید بدرستیکه من هم با شما از انتظار برندگانم) در تفسیر صافی از حضرت رضا ع روایت میکند که آن بزرگوار فرمود ما اَحْسَنَ الصَّبْرَ وَانْتِظَارَ الْفَرَجِ اَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ وَارْتَقِبُوا اِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ یعنی چه نیکوست صبر و انتظار بردن فرج آیا نشنیده قول عبد صالح را

وان تعقبوا الخ و در تفسیر مجمع البیان است فانتظروا یعنی
منتظر باشید بر عقاب خدای تعالی با قهر و قتل در دنیا و بر عقاب در
آخرت انی معکم من المنتظرین از برای اینکه خداوند وعده کرده
است بمن نصرت و یاری را بر شما انتهی بدانکه انتظار خدا و رسول
او ثابت میکند بودن حضرت قائم ع را زیرا که انتظار خداوند بشیء
محقق و واقع علاقه می گیرد بمجهول و موهوم منتظر بودن خداوند محال
نیست چون بحقایق عالم است مثل بشر نیست که باحتمالات انتظار برد
و امر فرموده بندگان را که انتظار برند وقت ظهور او را چون از انتظار
یاد کرده شد مناسب دیدم که چند حدیث بجهة ترغیب و رغبت در
ثواب و فضیلت انتظار بردن بیان کنم حدیث اول از حضرت رضا
علیه السلام مرویست که رسول خدا ص فرمود که افضل اعمال امت من
منتظر بودن است برسیدن فرج از جانب خدای تعالی حدیث دوم
از حضرت امام زین العابدین ع روایت شده در ذیل حدیثی که
رسول خدا ص فرمود منتظر فرج بودن عبادت است حدیث سیم از
از آنحضرت ع مرویست که غیبت ولی دوازدهم که وصی خلفای رسول رسول ص
ائمه است بعد از رسول خدا ص امتداد می یابد یا با خالد بدرستی
که اهل زمان غیبت او که بامامتش قائل و بظهورش منتظرند از
اهل همه زمانها افضل اند زیرا که خدای تعالی از عقل و فهم و
معرفت انقدر بایشان عطا فرموده که زمان غیبت

در نزد ایشان بمنزله زمان حضور مشاهده گردیده و گردانیده
ایشان را در این زمان بمنزله کسانی نموده که در پیش روی رسول
خدا ص بشمشیر جهاد نموده اند ایشانند مخلصان حقیقی و شیعیان
ما که تشیع صدق و صفا دارند و ایشانند دعوت کنندگان
خلایق بسوی دین خدا در پنهانی و آشکارا و منتظر فرج بودن
بزرگتر فرجهاست حدیث چهارم جناب جابر رض روایت
کرده که بخدمت حضرت محمد باقر ع بعد از آنکه اعمال حج را تمام کردیم
شرفیاب شدیم تا او را وداع نمودیم و بخدمتش عرض کردیم که یا ابن
رسول الله ما را وصیتی و نصیحتی بفرما بفرمود که قوی شما بضعیف شما
یاری کند و غنی شما بر فقیر شما مهربانی نماید و هر یکی از شما
برادر خود نصیحت نماید و خیرخواهی کند چنانکه برای خودش
خیرخواهی مینماید و اسرار ما را پنهان دارید و خلایق را بگردن ما
سوار نکنید و با امرها و چیزی که از ما بشما میرسد نگاه کنید و در
آن تامل نمائید اگر آنرا با قران موافق یافتید قبول و اگر مخالف
یافتید بیندازید و اگر امر بر شما مشتبه شود یعنی ندانستید که
با قران مخالف است یا موافق توقف کنید و بما رجوع نمائید تا
اینکه در خصوص از برای شما شرح بکنیم چیزی را که برای ما شرح
کرده اند پس وقتی که بوصیت ما عمل نمودید هر اینه از آن تجاوز
نمی کنید پس با این حال اگر یکی از شما پیش از ظهور قائم وفات
یابد هر اینه بمنزله شهید می باشد و هر که قائم ما را

خاف خیر الخلق من ضعف لأناس بینهم

دریابد در پیش روی او کشته شود او را اجر دو شهید داده
میشود و هرکه در پیش روی دیگری از دشمنان ما بکشد هر
آینه مستحق اجر بیست نفر شهید گردد حدیث پنجم از ابی
بصیر روایت کرده که حضرت صادق ع فرمود طوبی باد برای
کسی که در ایام غیبت قائم ما بامر ما چنگ بزند و دلش بعد از
هدایت یافتن از حق بر نگردد عرض کردم که فدای تو شوم
طوبی چیست فرمود درختی است در بهشت که بیخ و تنه
وی می باشد این است معنی قول خدا تعالی طوبی لهم وحسن
مآب حدیث ششم در کتاب خصال روایت از امیر المؤمنین ع
است که آنحضرت فرمود منتظر فرج باشید و از رحمت خدا ناامید
نشوید زیرا که دوست ترین عملها نزد خدا تعالی انتظار فرج است بعد
از آن فرمود که کندن کوهها از بیخ آسانتر است از زوال نمودن و
دفع کردن پادشاهی که مدت سلطنتش طول یافته باشد
پس در این باب از خدا اعانت بخواهید و صبر کنید زیرا که زمین ملک
خدا است و بآن وارث میگرداند از بندگان خود کسی را که میخواهد
و عاقبت برای متقیان است پس باین امر پیش از رسیدن تعجیل نکنید
که باعث پشیمانی میشود این مدت را بطول نشمارید که موجب
قساوت دلهای شما میگردد هرکه بامر ما چنگ بزند هر آینه در
جایگاه قدس با ما باشد و هرکه منتظر ظهور امر ما است مانند
کسی است که در راه خدا بخون خود غلطیده است حدیث

هفتم

خیفة ان ینکصوا الاعقاب غیظا فهم فی

هفتم از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام روایت شده که
آن بزرگوار فرمود هرکه در ایام غیبت قائم ما در ولایت و دوستی
ما ثابت قدم باشد هر آینه خدا تعالی عطا با و اجر هزار نفر شهید [میکند]
که مانند شهدای بدر و احد باشند حدیث هشتم مخفی که
عبارت از جنت سندی باشد گفته که بخدمت حضرت صادق ع
عرض کردم که چه میفرمائی در خصوص کسی که با انتظار و دوستی
این امر وفات یابد فرمود او بمنزله کسی است که با رسول خدا در
زیر خیمه که در ظهور برای آنحضرت برپا میشود این را فرمود اندک [وقت]
زمانی سکوت نمود بعد از آن فرمود او بمنزله کسی است که با رسول
خدا می باشد حدیث نهم عبد الحمید واسطی روایت
کرده که بخدمت حضرت امام محمد باقر ع عرض کردم که خدا کار
ترا اصلاح نماید بخدا سوگند یاد میکنم هر آینه بسبب انتظار این
امر بازارها را ترک کردیم و از داد و ستد دست برداشتیم
بحدی که نزدیک شد از غایت فقر و بیچیزی سائل بکف بشویم
فرمود ای عبد الحمید آیا چنان گمان میبری که نفس خود را بر
بندگی منحصر کند خدا او را فرجی ندهد آری بخدا سوگند
هر آینه خداوند عالم فرج و گشایشی عطا فرماید خدا رحمت کند
بنده را که امر ما را احیا کند عرض کردم که اگر پیش از یافتن
قائم ع وفات نمایم حال من چگونه میباشد فرمود کسی که از
شما میگوید که اگر قائم را دریابم هر آینه باو نصرت و یاری

میکنم بمنزلهٔ کسی است که در خدمت آن حضرت بشمشیر خود جهاد
نماید و مانند کسی است که در خدمتش شهید شود برای او دو
بار شهادت اتفاق افتاده باشد حدیث دهم عبد الله
بن سنان روایت کرده از حضرت صادق ع که آنحضرت فرمود
که رسول خدا فرمود که بعد از شما قومی می‌آیند که یک مرد از
ایشان اجر و ثواب پنجاه نفر از شماها می‌باشد عرض کردند که یا
رسول الله ما در جنگ بدر و احد و حنین در خدمت تو بودیم
و قرآن هم در خصوص ما نازل شده پس چگونه میشود که از ما بهتر
باشند فرمود اگر شما دچار شوید بآن بلایا و حوادثی که ایشان
دچار خواهند شد هر آینه مانند صبر ایشان صبر نخواهید کرد
حدیث یازدهم علی بن حمزه بن مغیره از جدش او گفته روایت کرده
که عرض کردم بخدمت حضرت صادق ع که ایام فترت خواهد شد
که مسلمانان امام خود را در آن ایام نخواهند شناخت فرمود که
چنین گفته می‌شود که میگوئی یعنی چنین خواهد شد عرض کردم
پس در آن وقت چه طور رفتار کنیم فرمود که اگر این فترت واقع
شد بطریقه که در دست دارید چنگ بزنید و با آن رفتار نمائید
تا طریقه دیگر برای شما ظاهر شود حدیث دوازدهم
ابی حمزه روایت می‌کند که حضرت صادق ع فرمود که
محاصیر هلاک می‌شوند عرض کردم محاصیر چیست فرمود

که

که تعجیل کنند که آن بظهور فرج و نجات میبایند و مقربان یعنی
کسانی که میگویند فرج نزدیک است و بظهور آن امیدوار
میشوند یا آنانکه بسبب تقرب یافتن در درگاه الهی در این مقام
صبر میکنند وقتی که حصاد دولت مخالفان در روی زمین
استقرار بهم رسانند یعنی امور سلطنتشان قوام گرفت و محکم گشت
بنابراین در خانه‌های خودتان بنشینید یعنی برای طلب خلافت
برای ما ها نیائید زیرا که ضرر فتنه بکسی میرسد که آنرا
برانگیزاند هر وقت که ایشان در بارهٔ شما ارادهٔ اذیتی
نمایند خدا تعالی ایشان را بمشغله گرفتار میکند که ایشان
را از آنچه کرده اند باز میدارد مؤید این حدیث شریف
ابوبکر حضرمی روایت کرده او گفته که من و ابان بن تغلب خدمت
صادق ع مشرف شدیم در زمانیکه علمهای سیاه در نواحی خراسان
ظاهر شده بودند بخدمت آنحضرت عرض کردیم که آیا رأی
تو در این باب چیست فرمود که در خانه‌های خود بنشینید
هر وقت که ما را دیدید بر سر مردی جمع شده ایم اسباب
جنگ برداشته بسوی ما بیائید بیان نتیجه و غرض از ذکر
این دوازده حدیث این باشد که در زمان غیبت
انتظار فرج بردن و امیدوار بودن بظهور قائم ع
و خواستن آن بدعا از درگاه خدا تعالی و ثبات

قدم درجادهٔ دین وصبر نمودن در نامُلایمات وتحمل در
ترادف بلیات از فشار دادن مخالفان وعدم تعجیل در فرج
امام زمان ع وسکوت در متشابهات قرآن واخبار وکتمان سر
برادران دینی در رفع وقضاء حوائج ایشان وتابع شدن بفرمودن
علماء اعلام وحضرات حجج اسلام کثّر الله امثالهم ومدّ علی
رؤس المسلمین ظلالهم ودر گوشه نشستن ودرها بر روی
خود بستن واحتراز از مخالطه غیر ضروری با مردم دنیا
واجتناب از داخل شدن بمجادله ومداخله کنندکان در احکام
دین وشریعت از طوایف ضاله از آنانکه معتقد باحادیث ائمه
اطهار ع نیستند وبتفاسیر علماء شیعه متقاعد نمی باشند از
برای اشخاص بی علم ٢ وکنار شدن از بدعتها واهل بدعت)
وظیفهٔ مؤمنین وسبب نجات از وقوع در فتنه وباعث خلاص
از ضلالت است خواجه میفرماید بی مناسب مقام است
دام سخت است مگر یار شود لطف خدا ورنه آدم نبرد صرفه
ز شیطان رجیم ومؤلف حقیر گوید سکوت وخمول
دگر اقتضا اگر شد بود بر نجات اعتماد اگر خواهی از فتنه
ها وارهی مبادا بکوی هوس پا نهی درخاتمه
امیدواران بطلعت غراء وانتظار برندکان بظهور دولت
حقه محمدی ص بمضمون این شعر مترنم اند وبزبان حال گویند

٢ که قوهٔ مجادله ندارند ص

ای مدنی

ای مدنی برقع ومکی نقاب سایه نشین چند بود آفتاب
گر گلی از باغ تو بوئی بیار ور مهی از مهر تو کوئی بیار
منتظران را بلب آمد نفس ای ز تو فریاد بفریاد رس رسم ترنج
است که درگرد وز کار میوه دهد پیش وپس آرد بهار شحنه توئی
قافله تنها چراست قلب تو داری علم اینجا چراست سکه تو
زن تا امرا کم زنند خطبه تو خوان تا خطبا دم کشند باز کش
این مسند ازاسودگان غسل کن این منبر ازآلودگان ما همه
جسمیم بیا جان تو باش ما همه دیویم سلیمان تو باش) هرچه
لقب گویم ازان برتری هرچه ثنا خوانم ازان بهتری ف
مؤلف باین چند بناحیه مقدسه توسّل مینماید
ایمالک آفاق ز آفاق تو بهتر ای فخر ملک از همه املاک تو
برتر شاهان جهان نزد وجودت همه کهتر ای نور زمان با
تو جهان خرم وخوشتر (خاک ره تو فرق شهان را است افسر
ای صاحب گیتی همه گیتی ز تو روشن وی شمهٔ دینا همه دینا
بتو گلشن زیر قدمت رام شود ابر چو توسن بی طلعت رعنا
تو روضه است چو گلخن (از نکهت خلق تو بود خلد معنبر
ای محتجب هادی ره شاه زمانه چون طول غیابت شده
بود تو بهانه یغما بشد از غارتمین خانه ولانه بهر نوع
شیعه تو ایذات یگانه (بحیل تمنای بهم خلق تو سرود

جانها بلب آمد زپی جانِ جهانی خورشید عربی زچه در میغ بمانی تاکی زنظرها به پس پرده نهانی یارب چه بود دیده شود یار عیانی (چشم طمع منتظرین دوخته بر در) بر اهل تدین نبود هیچ پناهی بنهاده همی شرع نبی رو بتباهی مجبوبه شیخ وشاب است ملاهی ورد همه منتظرین گاه بگاهی (کی شود ای ماه تو برگشته رهبر) شد وعظ ونصح فقه وعمل مال تجارت هم داد وستد دخل وهوس راه زیارت گشته سفر مکه همی قصد سیاحت سجاده وتسبیح ودعا محض نیابت (کاهیده بشد ان حقا قیمت گوهر) منبر که مدی تکیه که عالم عامل شد نغمه سرا برسر ان عامی جاهل شد گوشه نشین بسته دهان فاضل کامل هم صدر نشین مسخره گو زیب محافل (چون شاخ بقم گشته همی خون هر زن) آزاد بتحریر و بیان رند هوسناک در ذلت اشراف بود سفله طربناک بهر صلحا خانه شده جا خطرناک یا لیت علی محو اباطیل رأیناک (ای حافظ دین راه هدی رایه انور) باز او که تأسیس شده بهر معایش بر لاس زنان گشته همی جای نمایش در بیع وشرا جمله زنان برده ستایش سرمایه امرد بنهد رو بفزایش (از عطر زنان گشته معطر هم معبر) یارب زگناهان شده ام تائب ومحزون از زر سرمایه شده خاسر ومغبون عفو از ذنوب هستی تائب بر تو

مامون دل العزیز ناصح زرجا بار دو مشهون (آمد بدر مدح ولی بود من ازبر) ایات حضرت ار در قوله تعالی فی سورة النحل اتی امر الله فلا تستعجلوه یعنی امر خدا پس شتاب نکنید آن در خصوص این آیه کریمه عبد الله بن کثیر از حضرت صادق ع روایت کرده که آنحضرت فرمود که امر ما یعنی ظهور قائم ع ما است از امر خدا در خصوص او تعجیل ننما کرد واین امر با سه لشکر قوت می یابد یکی ملائکه دویمی مؤمنان سیم رعب وخوف ما است که در دلهای دشمنان می باشد وخروج قائم ع مثل خروج رسول خدا است ص واینکه کفتم معنی قول خدا است (کما اخرجک ربک من بیتک بالحق) یعنی چنانچه ترا خدا تو از خانه ات بحق وراستی بیرون آورده ایضا از حضرت باقر ع روایت شده که شتاب کنندگان در خصوص ظهور این امر هلاک میشوند یعنی از دین واعتقاد خود بر میگردند ونجات می یابند آنانکه آنرا نزدیک میشمارند و بظهورش امیدوار میشوند وجابر بن یزید از حضرت باقر ع روایت نموده که آنحضرت فرمود که مثل کسی که از ما اهل بیت پیش از ظهور قائم ع خروج کند مثل بچه مرغی است که بپرد و برو زنه دیوار بیفتد اطفال بان بازی کنند ایضا جابر بن یزید از آنحضرت روایت نموده که آن بزرگوار ع فرمود ساکت شوید

واذا دام مادامیکه آسمانها و زمین قرار گرفته یعنی بر احدی خروج مکنید که این امر یعنی خلافت حق ما است مخفی و پنهان نیست گاه باشد این امر برای خداوند تعالی عیان بر سید نداز خلایق که آن از آفتاب روشن تر است یعنی سزاوار بودن ما برای خلافت از آفتاب آشکار تر است یا صبح را بی شناسی امر ما بنز الصبح است که در آن خفا و پنهانی نیست و نیز در ذیل حدیثی میفرماید کسانی که این امر را تمنای کنند بطوری که در مقام تسلیم نمی باشند دروغ گویانند یعنی در ادعای دوستی ما کاذبند (للمولفه) گر بناشی تو کو یم لاف دوستی

ورنه هستی تو وام چو کمانش شرف دست بوس را بر سی

دانند این آنکه اهل عرفان است **ایضاً** از ابی بصیر روایت شده او گفته که بخدمت حضرت صادق ع عرض کردم که فدای تو شوم فرج تو خواهد شد فرمود ای ابا بصیر تو از کسانی هستی که اراده تحصیل مال و جاه دارند زیرا که هر که این امر را بشناسد یعنی بداند که قائم آل محمد ع هست غیبت نموده و بعد از مدتی ظاهر خواهد شد و منتظر ظهور وی باشد هر آینه همین انتظار بهره وی فرج است پس با وجود این فرج شتابیدن بظهور آنحضرت دلیلی است بر اینکه آن شتاب و تعجیل برای فرج دنیویست که تحصیل مال و جاه دنیوی باشد

نه برای

نه برای فرج دینی زیرا که فرج دینی با نتظار حاصل شده است **ایضاً** در سیزدهم بحار روایت نموده که در ذیل حدیث قدسی خداوند میفرماید که بعد از آن نبوت محمد ص را کامل میکردانم با پسرش که باعث رحمت است بر عالمیان و در اوست کمال عیسی و نورانیت موسی ع و صبر ایوب ع و بزودی دوستان من در زمان او یعنی در زمان غیبتش ذلیل میشوند سرهای ایشان مانند سرهای طایفه ترک و دیلم از بیجای ذلت و خواری پلین میشود پس کشته میشوند و در آن زمان ترسان و هراسان میباشند و روی زمین بخون رنگین میشود و ناله در میان زنان ایشان آشکارا گردد ایشان حقیقتا منند همه فتنه های شدید را برکت ایشان دفع میکنم و بسبب ایشان تزلزل و اضطراب را از خلایق زایل میکردانم و شدت و بلاها را دفع مینمایم بر ایشان باد رحمتهای پروردگار عالم ایشانند هدایت یافتگان) مناسب است که درج کنم در حق ایشان این دو بیت را (للمولفه) هم چو شمع محفل بزم محبت سوزند از سر تا بپا می شود از سوزش آن شمع ها روشن سرای نور می بخشند بر اهل جهان چون آفتاب خود ز فقر اشقیاء اند خسوف و کسوف و تاب **ایضاً** در ذیل حدیث مفضل بن عمر از حضرت صادق ع روایت میکند که خدای تعالی ذات است که در خصوص آنحضرت در

دوستان من

حال غیبت دوستانش شك نمی کنند و اگر میدانست که
در این باب از ایشان هم مانند دشمنان شك واقع می شود
هر آینه حجت خود را یك لحظه غایب نمی گردانید پس این فتنه
واقع نمی شود مگر برای اشرار ایضا از حضرت صادق ؑ روایت
شده که آنحضرت فرموده که بر خدا یتعالی واجب است که شیعه
را با غیبت ان ازما بیازماید پس در این وقت اهل باطل شك می
کنند زراره می گوید عرض کردم فدای تو بشوم اگر آن زمان را
درك کنم چه باید کرد فرمود اگر آنزمان را دریابی باین دعا
مداومت کن (اللّهمّ عرّفني نفسك فانّك ان لم تعرّفني
نفسك لم اعرف نبيّك اللّهمّ عرّفني رسولك فانّك
ان لم تعرّفني رسولك لم اعرف حجّتك اللّهمّ عرّفني
حجّتك فانّك ان لم تعرّفني حجّتك ضللت عن ديني
و نیز از عبدالله بن سنان روایت است که حضرت صادق
علیه السلام فرمود که بزودی شبهه بشما میرسد در اثنای آن
شبهه امامی نمی یابید که هدایت کند از آن شبهه نجات
نمی یابد مگر کسیکه با دعای غریق دعا بکند عرض کردم که
دعای غریق چگونه است فرمود که چنین میگوئی یا الله
یا رحمن یا رحیم یا مقلّب القلوب ثبّت قلبي علی
دینك آیه پنجم در سوره انعام قوله تعالی در آیه ۱۵۸

یوم یأتي بعض آیات ربّك لا ینفع نفسا ایمانها لم تکن
آمنت من قبل او کسبت في ایمانها خیرا قل انتظروا انّا
منتظرون حاصل معنی آیه شریفه این است در روزیکه بعض
آیات و علامات پروردگار تو ظاهر شود کسانیکه پیش از آن
روز بامامت آنحضرت اعتقاد نکرده اند یا اینکه اعتقاد
کرده اند لکن در ایام اعتقادشان عمل خیر نکرده اند ظاهراً
اعتقاد کردنشان در آن روز بامامت آنحضرت برای ایشان
نفع نخواهد بخشید بعد از آن فرمود طوبی باد برای شیعیان
قائم ما که در ایام غیبت او بظهورش منتظرند و در زمان
ظهورش با او مطیع میباشند ایشانند دوستان خدا
که لا خوف علیهم ولا هم یحزنون) حضرت صادق ؑ بابی بصیر
فرمود که آن روز عبارت است از روز خروج قائم منتظر که
از ما اهل بیت است بیان و دلیل اینکه آن روز روز خروج
حضرت حجت است حرفی نیست اگر معاندین بعرض گویند
که روز قیامت است وجهی نخواهد داشت زیرا که قیامت روز
جزا است نه روز تکلیف و عمل پس باید در روز دنیا باشد که
ایمان آوردن منفعت ندهد و گرنه در آخرت تکلیف
ایمان و ایمان آوردن نیست و مراد از ایمان بقول ائمه علیهم
السلام اعتقاد کردن بامامت است و در دوره ائمه

آیه ششم

معصومین ع این عذاب بوده که کسی ایمان آورد و باو نفع نبخشد پس معین شد که اختصاص این با یام ظهور امام دوازدهم است آیه ششم قوله تعالی فی سورة البقره در آیه ۱۵۴ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ظاهر آیه شریفه یعنی البته امتحان میکنیم شما را با چیز قلیلی از ترس و گرسنگی و با کم شدن از مالها و نفسها و میوه ها و مژده بده بصبر کنندگان (از جابر جعفی روایتست که از صادق ع پرسیدم از تفسیر آیه فرمود یا جابر بعضی از مضمون این آیه خاص است گرسنگی است در کوفه خداوند عالم از برای دشمنان آل محمد ص مخصوص میگرداند پس آن گرسنگی ایشان را هلاک میگرداند و آنچه عام است در شام است پس با هل آنجا خواه دشمن آل محمد ص و خواه دوست ایشان باشد بیم و گرسنگی بنوعی میرسد که اصلا مانند آن از اندیشه اندر نرسد گرسنگی با یشان پیش از قیام قائم ع و ترسیدن بیم بعد از قیام آنحضرت است (آیه هفتم) در سوره بقره در آیه

آیه هفتم

۱۴۷ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا یعنی پس سبقت کنید بسوی خیرات در هر جا باشید می آورد شما را خداوند همگی ابو خالد روایت میکند که حضرت باقر ع فرمود که مراد از خیرات ولایت ما

است و قول خدا تعالی أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا عبارتست از اصحاب حضرت قائم ع که سیصد و سیزده نفرند بعد از آن فرمود که بخدا سوگند یاد میکنم هر آینه ایشانند آنهائی که در قرآن است بخدا سوگند یاد میکنم هر آینه ایشان در یکساعت مانند ابر پائیز جمع میشوند و در روایت دیگر هر وقتی که قائم ع قیام نماید خدا تعالی شیعه را نزد وی از همه شهرها جمع میکند و در علامت حقیر توفیق این سعادت را با این یکرباعی از درگاه خداوند مسئلت مینماید) بده توفیق یا رب راه گیرم بعشق دل پی اسماء گیرم شوم تابع با مر و نهی مولی بهم رخ بر در درگاه گیرم و جمع کن اولیاء الله و اکر افضل حضرت ولی الله الاعظم ارواحنا فداه هستند الحاق این یک رباعی لازم دیدم رباعی آصف بن برخیا بلقیس را با تخت وی از سبا آورد با یک علم و ذاکر دلی زود تر از طرفة چشمی بدست آمد هر امام بر ولی الله عطا کرده علم کل شیئ بر شخص دانا وادم منصف جمع شدن ایشان در یکساعت نزد حضرت صاحب الامر که تمام عالم امکان تابع امر او هست عجب گران نمی آید آیه هشتم در سوره یونس در آیه ۳۴ قوله تعالی (أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى

آیه هشتم

الحق احق ان یتبع امن لا یهدی الا ان یهدی فما لکم کیف تحکمون ظاهر معنی انیا پس کسیکه هدایت میکند یعنی راه مینماید سزاوار است اینکه متبوع بشود یعنی تبعیت کرده بشود یا آنکه هدایت نمی یابد مگر اینکه هدایت کرده شود پس چیست شما را چه طور حکم میکنید اسمعیل بن صباح روایت میکند که از شیخی شنیدم که از سیف بن عمیره میشنید نقل میکرد میگفت که در نزد ابی جعفر دوانیقی بودم از او شنیدم بی آنکه از او پرسیده شود میگفت که یا سیف بن عمیره ناچار است زنده کننده که بنام مردی از اولاد ابی طالب ندا میکند عرض کردم که یا امیر المؤمنین من مثل این حدیث را هرگز نشنیده بودم گفت یا سیف وقتیکه این ندا واقع گردید ما اول کسانی میباشیم که بآن مرد اجابت میکنند آگاه شوید که آنشخص یکی از عموزادگان شما است گفت مرد است از اولاد فاطمه ع بعد از آن گفت اگر این حدیث را از امام محمد باقر ع نمی شنیدم و همه اهل زمین از او نقل میکردند هر اینه قبول نمیکردم لیکن از امام محمد باقر ع شنیدم نتیجه از این حدیث این است که ابی جعفر منصور عقیده میدهد که هر خبری که از غیر امام ع برسد احتمال کذب در آن میرود زیرا که در غیر امام ع عصمت نیست که مانع از دروغ

حکم من روایت منصوص بنص

وسایر معاصی باشد بخلاف حدیثی که از امام ع باشد که ابداً احتمال کذب در آن نمیرود و باید تصدیق شود بواسطهٔ عصمتی که در وجود او هست **آیهٔ نهم** در سورهٔ فصلت در آیهٔ ۵۲ قوله تعالی) سنریهم آیاتنا فی الآفاق وفی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق یعنی نشان خواهیم داد آیات خود مان را در اطراف عالم و در نفسهای ایشان تا ظاهر و آشکار گردد برای انها اینکه او حق است ثعلبة بن طیار روایت و از حضرت صادق ع روایت نموده که آنحضرت فرمودند که آیات خدا که آنها را بایشان بعد از این خواهد نمود فرو بردن زمین و مسخ شدن دشمنان آل محمد ص و انداختن ایشان است راوی گوید که بخدمت آنحضرت عرض کردم که مراد از یتبین لهم چیست فرمود آنرا بگذار آن قیام قائم ع است (**آیهٔ دهم**) در سورهٔ سبا در آیه (۱۸) قال تعالی وقدرنا فیها السیر سیروا فیها لیالی وایاما آمنین یعنی سیر کنید در آن یعنی در روی زمین شبها و روزها در حالتی که در امن هستید شیخ صدوق ره در علل الشرایع از حضرت صادق ع روایت کرده که از ابی حنیفه پرسید که این امنیت در کدام سرزمین است از بقعه های زمین ابو حنیفه در جواب گفت

چنان گمان دارم که آن سرزمین مابین مکه و مدینه باشد پس آنحضرت با اصحاب خود متوجه شده فرمود که آیا میدانید که در میان مکه و مدینه سرزمینی هست که خلق بی رنگ نمی شود و اموال شان از ایشان گرفته میشود و از خودشان خاطر جمع نمی شوند تا اینکه کشته میشوند ایشان عرض کردند که ای رسول خدا نمیدانیم که چنین است کی میفرمائی پس ابو حنیفه ساکت شد بعد از آن آنحضرت باز فرمود که یا ابا حنیفه خبر ده بمن از قول خدا تعالی (آیه ۹۷ یا رده هم) (قال تع) وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ اٰمِنًا یعنی هر کسیکه باینجا داخل شود در امن باشد آنحضرت از او پرسید آن سرزمین که هر کس باینجا داخل شود در امن میباشد کدام است ابو حنیفه گفت کعبه آنحضرت فرمود که آیا خبر داری که حجاج بن یوسف پسر زبیر را در کعبه بسبب بالای منجنیق گذاشت و او را کشت آیا بر این پسر زبیر در امن بوده است راوی گوید پس ابو حنیفه نیز ساکت شد خوب گفته است شاعر این بیت را در امثال اینمورد

فَاِنَّ كَبِيرَ الْقَوْمِ لَا عِلْمَ عِنْدَهُ ... صَغِيرٌ اِذَا الْتَفَّتْ عَلَيْهِ الْمَحَافِلُ

یعنی بدرستیکه بزرگ قوم که نباشد علم و دانش در نزد او کوچک است زمانیکه اجتماع کنند بر او مجمعها وقتیکه ابو حنیفه از مجلس آنحضرت بیرون رفت ابو بکر حضرمی بخدمت آن حضرت عرض کرد که فدای تو شوم جواب این دو مسئله چیست فرمود یا ابا بکر آیه سیروا فیها لیالی و

ایامًا اٰمنین عبارت است از سیر کردن و راه رفتن با قائم ما اهل بیت یعنی کسانیکه در ایام ظهورش در خدمتش راه می روند در امن می باشند و معنی آیه وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ اٰمِنًا این است که هر کس به بیعت قائم ع داخل شود و بدست مبارکش دست دهند و داخل اصحاب آنحضرت شود در امن است (خواجه) میفرماید عقاب جور گشاده است بال در همه شهر کمان و لایت دلبر که مامن اماد است (و هیر عکریم) رایت ظلم کشاده بسر ظلم کنان چشم مظلوم پر از اشک و جگر پرخون است دود دلها بسما بر شده گردیده سحاب بارش او زد و دیده چو شط و جیحون است گشته شامل بهمه خورد و بزرگ اسوء حال تابان عهد مشعشع که بسی میمون است قسط و عدل است شرف پاکی برون و درون عهد شادی و روان پرور و روز افزون است مهدی منتظر است صاحب عصر و زمان قلب بالا ز بلندان جهان چون نون است تابع امر قدر قدرت او جن و ملک ابر چون توسن و چتر سر او گردون است (آیه دوازدهم) فی سورة النمل در آیه (۶۲) قوله تع اَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ اِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْاَرْضِ

یعنی آیا سوای خدا کدام متحمل دعای مضطر را در وقتی که
خدا را میخواند قبول میکند (چه حاجت است بامین جبرئیل
امین دعا می کند مستجاب گردد) و شما را می گرداند
خلفای روی زمین میکند در ذیل حدیثی حضرت ابی جعفر
فرمود که بخدا سوگند یاد میکنم هر آینه او است آن مضطری
که خدای عزوجل در کتاب خود فرموده پس این را تلاوت
فرمود أمن یجیب المضطر اذا دعاه الی آخر (آیهٔ
سیزدهم) فی سورة الرحمن در آیهٔ (۴۱) قوله تعالی
یعرف المجرمون بسیماهم فیؤخذ بالنواصی والاقدام یعنی
گنه کاران از سیمای خود شان شناخته می شوند) در خبر است
که حضرت صادق ع از معاویهٔ دهنی پرسید یا معاویه در
خصوص این آیه چه میگویند عرض کرد که چنین گمان می کنند
که خدا یتعالی در روز قیامت گنه کاران را از صورة و سیمای
ایشان می شناسد پس از پیشانی ها و یا پاهایشان گرفته بآتش
انداخته میشوند آنحضرت فرمود که خدا یتعالی چگونه احتیاج دارد
بشناختن مخلوقی که خود او را خلق فرموده تا اینکه بگویند که
خدا ایشان را از صورة و سیمای میشناسد عرض کردم که فدای
تو شوم پس معنی این چه می شود فرمود وقتی که قائم ما قیام
میکند خدا او را چنان میفرماید که خلایق را از صورت و سیما

می شناسد

می شناسد امر میکند کافر را از پیشانی و یا پاهایش میگیرند باشد
و سخت شمشیر با و میزنند (آیهٔ چهاردهم) قوله تعالی
فی سورة آل عمران (أفغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات
والارض طوعا وکرها والیه یرجعون آیهٔ هشتاد و سیم ظاهر معنی
آیا پس غیر از دین خدا را می جویند و حال آنکه برای او مطیع و منقاد
شدند آنکه در آسمانها و آنکه در زمین است بارغبت از صمیم قلب و
یا از روی اکراه از ابن بکیر روایت است که گفت از ابوالحسن ع پرسیدم
از قول خدا یتعالی و له اسلم الخ فرمود که در شان قائم ع نازل
وقتیکه آنحضرت بر یهود و نصاری و آنانکه بر ملة دیگر عبادت میکنند
و زنادقه و مرتدان و کافران در شرق و غرب زمین خروج
میکند اسلام را بر ایشان تکلیف مینماید پس هر که از ایشان
به میل قلب اسلام را قبول نماید او را بنماز و بهر چیزیکه مسلمانان
بان مامورند و آن برای خدا بر گردن او واجب است امر میکند و
هر که اسلام نیاورد گردنش را میزند حتی در بلاد مشرق و مغرب
احدی باقی نمیماند مگر اینکه خدا را توحید کند عرض کردم فدای
تو شوم خلایق بیشتر از آنند که چنین شود همه ایشان را با اسلام آورد
یا بقتل رساند فرمود که خداوند وقتی که چیزی را اراده می کند
بسیار را کم و کم را بسیار مینماید (المؤلفه) توانا آنست
چون خالق نور و نار) از آنست که مانند پرورده گار

(آیهٔ پانزدهم) قوله تعالی فی سورهٔ هود در آیهٔ
(٨) وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ یعنی اگر عذاب
را از ایشان تأخیر نمائیم تا بوقت امّة معدوده) حضرت ابی جعفر عم در وصف
تعریف سیصد و سیزده نفر اصحاب قائم فرمود بخدا سوگند یاد میکنم هر اینه
ایشانند امّة معدوده) المؤلفه سیصد و سیزده تنند و لیک در
حقیقت همه حسابیک) بعد از آن فرمود که آنها در یکساعت مانند
ابرهای وقت پاییز جمع میشوند) المؤلفه بیک ساعت امیدها در آن
شود حاصل از لطف شاه حجاز) و در جمع شدن ایشان بیکساعت
نسبت بان کسانیکه بمقام امام معرفت کامل داشته اند تعجب را تمنیت محلی
و در آن باب گفته ام) شعر عجب نیست این سیر از آن زکیا که نبوند
کم ز آصف برخیا) آیهٔ شانزدهم) قوله تعالی فی سورهٔ
سبأ در آیهٔ (٥١) وَلَوْ تَرَى إِذْ فَزِعُوا مِنْ مَكَانٍ و بظاهر معنی
واگر ببینی ایشان را در وقتی که فزع میکنند هر اینه آن عذاب از
آنها فوت نخواهد شد از جایگاه نزدیک یعنی از زیر پایشان گرفته می
شوند از حضرت باقر ع روایت شده که فزع میکنند از صدا از طرف
آسمان وَأُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ اشاره است بخروج سفیانی و فرو رفتن سپاه
او در بیدا) آیهٔ هفدهم) قوله تعالی فی سورهٔ سبأ در
آیهٔ (٥٢) وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَأَنَّى لَهُمُ التَّنَاوُشُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ
وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ

مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ
ترجمهٔ آیات و گفتند ایمان آوردیم باو و کجا بود برای ایشان رسیدن
بان از جای دور و بتحقیق کافر شده بودند پیش از آن و تهمت می
گفتند بر غیب و حایل شد در میان ایشان و میان آنچه که میل و اشتها می
کنند یعنی اینکه عذاب کرده شوند یعنی از فرار کردن و خلاص داخل
شدن) چنانکه کرده شد بتابعین ایشان پیش از این بدرستیکه بودند
ایشان در شک ریب اندازنده) در مجمع البیان از علی بن الحسین و امام حسن مجتبی
علیهم السلام روایت می کند که سپاه سفیانی گرفته میشوند از زیر پاهای ایشان
(التناوش) یعنی تناول لایمانهم من قبل یعنی ایمان را بتکلیف
یقذفون یعنی مثل اینکه سنگ میاندازند بتاریکی یعنی بظن و گمان
حکم میکنند و تکلم میکنند با آنچه ظاهر نشده است از برای آنها و قوله تعالی
مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ) یعنی بعد از انقضای زمان تکلیف مدتی که آنها
طلب کردند هدایت را از جائیکه دست نمیرسید حال آنکه بود برای
آنها عنایت و بذل شده بود از جائیکه دست میرسید و ممکن بود در
تفسیر صافی حدیثی مذکور است که معنی آن بفارسی نزدیک
باین است که در خدمت حضرت رسول صلعم ذکر شد فتنه در ما بین اهل
مشرق و مغرب فرمود پس در حینی که آنها بر این حال هستند خروج
میکند بر آنها سفیانی از وادی یابس نازل میشود بدمشق پس بر
انگیزاند دو لشکر لشکری بسوی مشرق و دیگری را بسوی مدینه تا

تا اینکه نازل می شوند بر زمین بابل که از مدینهٔ ملعونه است یعنی
بغداد پس میکشند در آن زیاده از سه هزار نفر و رسوا می کنند
بیشتر از صد زن و بقتل میرسانند سیصد نفر قوچ یعنی مرد نجیب
از بنی عباس بعد از آن می ... پس خراب می کنند اطراف آن را
بعد خارج میشوند و میآورند بسوی شام پس خارج می شود بیرق هدایت
از کوفه پس بر میخورد باین قشون پس میکشند ایشان را خلاص میشود
از ایشان خبر دهنده و می گیرند آنچه را که در دست ایشانست از اسیر
و غنایم و داخل میشود لشکر دویم بمدینه پس غارت می کنند آنجا را
سه روز و سه شب بعد از آن خارج می شوند رو میآورند بسوی مکه تا
اینکه می باشند در بیدا مبعوث می شود جبرئیل پس می زند بپای خود ضربتی
و فرو می برد خدا آن لشکر را در زمین و رد نمی کرد از ایشان مگر دو
نفر از جهینه پس از اینجا است که مثل شده است) عند جهینة
الخبر الیقین در خبر است که نام ایشان وبر و وبیره است و روهای
ایشان به پس گردانیده می شود به پس و پس راه میروند و نجات یافتن
ایشان برای این است که فرو رفتن لشکر شام را خبر بدهند و در
روایت دیگر نام یکی بشیر بوده و نام دیگری نذیر آنکه نزد حضرت قائم
علیه السلام میرود نام او بشیر و نام آن دیگر که نزد سفیانی میرود
نذیر احتمال میرود که این دو نام اخیر نام دویمی اند
مرد باشد باین معنی ملکی که روهای ایشان را بعقب

گردانیده

گردانیده باین نحو مخاطب شده باشد و بانکه خدمت حضرة
الله الاعظم ارواحنا فداه میرود باو میگوید بدست حضرت
قائم ع توبه کن ان هم توبه می کند و قبول میشود) البته آنکه نزد
سفیانی میرود استعداد توبه و سعادت فوز باسلام نداشته
است از اینجاست که گفته اند سعادت و شقاوت تا آخر با
انسان رفیق و همراه و رقیب یکدیگرند تا کدام در آخر غالب آید
اولقه سعادة شقاوت اگر بشر و دکم بانسان فیقند
تا آخر دم بدانکه مقدمهٔ حصول سعادت و شقاوت با خود انسانست
زیرا که از وقتیکه ممیز شده فهمیده شایسته خوب بد را و حسن و قبح را بواسطهٔ
قرآن و احادیث و اخبار حضرات ائمه گشت بعض طبقات و بسبب مجالست
علماء و معاشرت با همه گونه اشخاص بالا و پائین و با تجربه حاصل شده
از معاشرت متعدده جا دانسته و فهمیده علاوه بر منکورات در
تمام ارادهای تکلیفیه و امورات راجعه بادای وظیفه بندگی و طاعت
قادر و مختار در ترک و فعل آنها بوده است پس تحصیل مقدمات سعادت
و نیز با خود انسانست و توفیق شناختن این مقدمات و عمل نمودن بآنها با جناب
تعالی است هر وقت که دوری از بطرف تحصیل رضای پروردگار متوجه
شد عنایت ملکوتی شامل حال او بوده و بسعادت نزدیک
بلکه فایز و از شقاوت کنار میباشد اللهم وفقنا بتوفیقاتک
و بگو) الهی لئن لم ترعنی کنت ضایعا و ان کنت ترعانی

قلتُ أضيعُ (آیهٔ نوزدهم) قوله تعالی فی سورة الانفال در آیهٔ (۳۹) وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ) یعنی با ایشان قتال بکنید تا اینکه فتنه واقع نشود و همه دینها از برای خدا باشد ابو جعفر ع فرمود بخدا سوگند یاد میکنیم هر آینه با کفار قائم ع می جنگد تا اینکه خدا بتعالی توحید کرده شود و باو شرک قرار داده نشود و تا اینکه پیره زنی از شرق زمین بر خیزد و بمغرب زمین بیاید احدی باو متعرض نشود و خداوند عالم در آن روز تخمهای زمین را میرویاند و از آسمان باران می باراند و خلایق خراج خود را بر پشت گرفته بخدمت مهدی ع میاورند) آیهٔ بیستم (۲۰) قوله تعالی در سورة الانبیاء در (۱۲) فَلَمَّا أَحَسُّوا بَأْسَنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ یعنی در وقتیکه کفار شدت محاربهٔ ما را دیدند ناگاه از آن محاربه می گریزند نگریزید و بسوی خانه هائیکه بسبب آنها طغیان کردید و بمسکنهای خود برگردید امید هست که از اینها سؤال کرده شوید میگویند ای وای بر ما بدرستیکه ما از جملهٔ ظالمان بودیم پس این کلمه برای ایشان ورد زبان گردید تا وقتیکه ایشان را مانند حاصل زراعت بریدیم و از پای

درآوردیم و در جایگاه خودشان خاموش گردانیدیم بعد از آن ابو جعفر ع فرمود که قائم ع از بنی امیه باقی نمیگذارد که خبر ببرد و این جنگ در سرزمین کوفه واقع می شود بعد از خبر دیگر امام ع می فرماید نمی بینم احدی از ایشان را که از خندق بسمت کوفه بگذرد که خبر ببرد بلکه کشته میشوند بعد از آن داخل کوفه می شود و این بعد از برگشتن از مدینه منوره می شود ابو جعفر میفرماید که گویا اصحاب قائم ع را می بینم که بنجف اشرف بالا میروند آنها سیصد و سیزده نفرند گویا که دلهایشان آهن پاره ها هستند جبرئیل ع در سمت راست و میکائیل ع در دست چپش میباشند و رعب در یکماه راه از سمت پیش سر و یکماه راه از سمت پشت سر میرود و بدلهای دشمنان می نشیند خداوند کردگار با پنج هزار ملک مُسَوِّم یعنی ملکی که علامت و نشان دارند با آن نشانه در اثنای جنگ شناخته میشوند باو حمایت و یاری میکنند تا اینکه بنجف اشرف بالا میرود در آنحال باصحاب خود میفرماید که امشب را با طاعت و عبادت بکنید پس با رکوع و سجود و گریه و زاری شب را بیتوته میکنند) و مؤلف حقیر با این آیات چند بحضرت ایشان توسل میجوید و از عدم موفقیت باستفاضهٔ شب زنده داری و تهجد تحسر مینماید و توفیق درک این ساعات را برای خود و برای برادران دینی از درگاه حق تعالی درخواست مینماید

این است ابیات

خدا را بود بندگان عزیز | که در بند کیشان شد این عزیز
چو تاریکی شب گشاید پری | برآرند از فرش بر زمین سری
چو از زنگی عمر فرم شد و میان | ببندند بر طاعت حق میان
ز بیگانگان چون تهی گشت کوی | کنند خلوت با یاران بقعه روی
بگردند تا صبح در کوی دوست | که از حب محبوب پر گشته پوست
بیایند بر خلوت پادشه | بپابوسی افتند پروین و مه
چو پروین به بیدار شب ایستی | ازین درگه بخوابی شود بخش
به پروین و مه زین جمع خواجه تاش | ببیند سلوک هم طریق و هم راش
کلالی ز تن یا ملالی ز روح | نیابند چون دل شده پر فتوح
چو اسپید صبح آمد به پیش | تاسف کنان کاش شب بود بیش
که بوی فراق آید از روی دون | جدائی همی کرده از وی برون
نیابم من از روی دوش مراد | که اوقات من خالی از شب مباد
چو در ظلمت است شراب حیوة | گران آب نوشم بیابم وفات
بخواهی اگر دائما زندگی | برو بندگی کن نکو بندگی

ودیگری گفته است

لله قوم اذا ما اللیل جنهم | قاموا من الفرش للرحمن عبادا
ویرکبون مطایا لا تملهم | حتی اذا بمنادی الصبح قد نادی

حتی اذا ما بیاض الصبح لاح لهم | قالوا من الوجد لیت اللیل قد عادا
الارض تبکی علیهم حین تفقدهم | لانهم جعلوا للارض اوتادا

بقیة حدیث وقتی که آنحضرت صبح میکنند میفرماید که بیائید راه
بخلند را با ما پیش بگیرید در آنوقت اطراف کوفه خندق میشود عرض
کردند یا اطراف کوفه خندق میشود فرمود آری بخدا سوگند ما نیز
میکنیم پس آنحضرت ع راه بخلند را پیش میگیرد تا اینکه در نخیله بمسجد ابراهیم ع
میرسد دو رکعت نماز در آنجا ادا میکند در آنوقت لشکر سفیانی در کوفه
از طایفه مرجئه و غیر ایشان بر آنحضرت خروج مینمایند پس آنحضرت
با اصحاب خود میفرماید که بر ایشان حمله کنید پس برای نجات باد که
دکا اوبیند (الا مر یغیب فی وقتهم) قوله تعالی فی سوره توبه
درآیه (۳۳) هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق
لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون) یعنی اوست آن
کسیکه پیغمبر خود را با هدایت و دین فرستاد تا اینکه دین حق را بر
همه دینها غالب گرداند هرچند مشرکان آنرا ناخوش دارند امام جعفر ع
فرمود که چون قائم ع خروج مینماید مشرکی و کافری نمیماند مگر
اینکه خروج او را ناخوش میدارد بیان اجمالی آنکه غلبه بر تمام
دینها که نتیجه رسالت و اراده حضرت اقدس الهی است در عهد
حضرت رسول ص و یازده امام ع بعمل نیامد باید مصداق پیدا
کند در حضور حضرت قائم ع که در کره زمین غیر از کلمه لا

انه الا الله و محمد رسول الله و علی و اولاده اولیاء الله کلمه
دیگر هیچ نشود یعنی انوقت یك نفر کافر و مشرك پیدا نمیشود
المؤلف) ظلمت کفر چون رفت از خاك بخشد آن نور بر همه
افلاك خاك تیره ز نور حق روشن بر بشر رشك میبرد املاك
(۱۱ آیه نازلست فی سیم) قوله تعالی فی سورة ابراهیم در
آیه (۴۵) وسکنتم فی مساکن الذین ظلموا انفسهم) یعنی
ساکن شدید در مسکنهای آنکسانی که بنفسهای خود شان ظلم
کرده اند عیاشی در تفسیر خود از حضرت صادق ع روایت
کرده است از چند نفر که در خدمت آنحضرت ع بودند در حالتی
که مردی میگفت که خانهٔ صالح و عیسی بن علی باقی هستند هنوز خراب
نشده است خانهای بنی عباس را بشمرد گفت که خدا انهارا
بما بنماید در حالتیکه خراب شده یا اینکه بدست ما خراب گردانند
پس در انحال آنحضرت فرمود که چنین مگو بلکه بگو که خداوند
انهارا مسکن قائم ع و اصحاب او کرداند یا نشنیده اید قول
خدای عز و جل را وسکنتم الی اخرها) (۱۲ آیه نازلست
و جهها م) قوله تعالی فی سورة آل عمران) در آیه (۱۷۲)
ما کان الله لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتی
یمیز الخبیث من الطیب) یعنی خداوند تعالی مؤمنان را
نمیگذارد بر حالتی که شما با آن هستید تا اینکه

جز

خبیث بدکاران را از نیکوکاران جدا نماید از ابان بن تغلب روایت
شده که او گفت از حضرت صادق ع شنیدم میفرمود که دنیا باخر
نمیرسد تا وقتیکه منادی از آسمان ندا نماید که ای اهل حق یکجا جمع بشوید
پس ایشان در یك سر زمین جمع میشوند بعد از آن دفعه دیگر
ندا میکند که ای اهل باطل یکجا جمع بشوید پس ایشان هم در یك سر
زمین جمع میشوند عرض کردم که آیا یکی از این دو فرقه قادر و
توانا میباشند که بمیان فرقه دیگر بروند فرمود نه بخدا سوگند
یاد میکنم و این است معنی قول خدا تعالی ما کان الله) آیه را
تلاوت فرمودند توضیح این تمیز در زمان هیچ کدام از ائمه
بعمل نیامده است یعنی نشده است که ائمه در زمان خود بر نگردند و
بقوم دیگر از اهل باطل و اهل کفر و ضلال ملحق نشوند و راه شقاق
و نفاق را پیش نگیرند پس ظهور مصداق این تمیز و اقع در عهد
حضرت قائم ع خواهد شد (۱۳ آیه نازلست فی نجم) قوله
فی سورة الانعام در آیه (۸۹) فان یکفر بها هؤلاء فقد وکلنا
بها قوما لیسوا بها بکافرین) یعنی اگر این جماعت کفران نعمت
بان و انکار کنند از اهرا قومی را بان موکل میکنیم که بان کفر
کننده نیستند و از انکار نمی کنند از سلیمان بن هرون عجلی روایت
شده که او گفت حضرت صادق ع فرمود که صاحب این امر نگه
داشته شده است اگر همه خلایق بمیرند خداوند تعالی اصحاب او را

برای رجوع میکنند ایشان تا آنکه خدا بتعالی دوستان ایشان فرموده
فان یکفر بها حضرت ایمه تلاوت فرموده ونیز ایشانند تا آنکه در
شأن ایشان نازل شده فرموده (آیه بیست وششم) قوله تعالی
فی سورة المائده در آیه (۵۴) فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و
یحبونه اذلة علی المؤمنین اعزة علی الکافرین یعنی بعد
خدا خلق میکند قومی که پیغمبر ایشان را دوست میدارد وایشان
هم دوست میدارند او را ایشان در نزد مؤمنان ذلت وفروتنی
مینمایند ونسبت بکافران اظهار عزت وشوکت میکنند بیست
اگرچه این آیه را که در خصوص حضرت امیرالمؤمنین واصحاب او نازل شده است
ولی بعضی از مفسرین روایت کرده که در خصوص اصحاب حضرت مهدی صافی
نازل گشته قطع نظر از حدیث شریف مخصوصا تعمیم آیه شریفه تا روز
قیامت بحال کسانی که باین صفت موصوفند مضمون آیه شامل است
ودر این آیه اشاره دلالتی است براینکه محبت واقع از یکطرف
محقق پیدا میکند بقول باباطاهر اگر خوشان مهربانی
دو سر بی زنگیر مهربانی درد سر بی یعنی محبت یکطرفه را
اهل حقیقت صورت وهوس میدانند که زایل میشود پاینده
نیست باین معنی را دل گواه است (آیه بیست و
هفتم) قوله تعالی فی سورة الحج در آیه (۴۱) الذین ان مکنا
هم فی الارض اقاموا الصلوة واتوا الزکوة وامروا با

لمعروف

بالمعروف ونهوا عن المنکر ولله عاقبة الامور یعنی ایشان
آنانند که اگر در روی زمین بایشان تمکین دهیم نماز را
برپا میدارند وزکوة را میدهند وبمعروف امر میکنند ونهی از
منکر مینمایند عاقبت کارها بر خدا است زید بن علی روایت
میکند که چون قائم آل محمد قیام مینماید میفرماید که ای گروه خلق
ما ائمه آنانکه خدا تعالی در کتاب خود ایشان را وعده
داده است الذین ان مکناهم الخ (آیه بیست وهشتم)
قوله تعالی فی سورة الفرقان در آیه (۶۳) الذین یمشون علی الارض
هونا واذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما) یعنی آنانکه در
روی زمین با فروتنی راه میروند با کرامت روایت شده
که آنحضرت فرموده که مراد از این جماعت اوصیا اند یعنی ائمه چنانکه
در تفسیر صافی تصریح باین شده وایضا در آنکتاب است یمشون
هونا ای خوفا من الاعداء یعنی راه میروند با ترس از دشمنان
وچون قائم قیام نماید ایشان هم با صبر بخدمت آنحضرت
میآورند پس اگر او باسلام یعنی بولایت ائمه اقرار نمود
والا گردن او را میزنند مگر اینکه جزیه را قبول نماید از قبیل
چنانکه اهل ذمه میدهند بیان جمله اینکه در صورتیکه
آنحضرت جزیه را قبول نماید چون در زمین دیگر وارد شد
آنحضرت جزیه را قبول نخواهد کرد در جمله اینکه غیر کلمه اسلامیه

لا اله الا الله محمد رسول الله کلمه دیگر گفته نخواهد شد پس در این صورت موضوع جزیه نخواهد شد تا جزیه معمول باشد بمفاد آیه لیکون الدین کله لله) همین طور هم باید باشد و وجه جمع این دو خبر که الجمع اولی من الطرح شاید باین باشد که در اوایل امر که هنوز استقلالی بهم نرسانده جزیه قبول شود و بعد از تمکن و استقلال قبول نشود (آیه بیست و هفتم) قوله تعالی فی سورة الاعراف در آیه (١٤) قال انظرنی الی یوم یبعثون قال انک من المنظرین الی یوم الوقت المعلوم یعنی گفت ابلیس لعین مهلت بده بمن تا روزیکه مبعوث میشوند فرمود ترا از مهلت داده شدگانی تا روز وقت معلوم مسند اسحق بن عمار ذکر کرده که از معصوم پرسیدم که مهلت خدا به ابلیس تا بوقت معلوم چه معنی دارد چنانچه در کتاب مجید انک من المنظرین الی آخر آیه فرمود عبارتست از قیام قائم ع وقتی که خدا تعالی آنحضرت را مبعوث گرداند در مسجد کوفه می باشد در آن اثنا ابلیس در روی زانوها راه میرود میگوید وای برما از شر این روز پس آنحضرت از پیشانی او میگیرد و گردن او را میزند آن روز وقت معلوم منتهای عمر و اجل ابلیس است) آنوقت سطح گیتی است گلزار که از اراندران شکفته گلها بیحساب) تو تمه مؤلف

خدایا چه باشد که با چشم بینم	شکفته است دنیا گلستان دینم
شب ظلمتی رفته شد روز روشن	شده روی گیتی همه طرفه گلشن

همه خارها رفته از صحن گلشن	بگوشم ز بلبل رسد لحن موزون
ملال و غم و غصه و حسرتم	ز دل رفته آید بدل نزهتم
شود فتح و نصرت بشاهم نصیب	تو محترم مردمان نجیب
شود دشمنان کشته و خوار و زار	نماند ز خصمان یکی نام ذار
نشاط و شماتت دو بر کنار	ز اعداء دینی باشم نزار
شوم با فتوحات دین شادکام	همه مبتهج با مراد و مرام
شود محو شیطان بقهر خدا	بود کفر و دین نور ظلمت جدا
شده روی دنیا بهشت برین	بران عهد از حق هزار آفرین
رضای خداوند آید بدست	شود ختم عصیان ز شیطان پرست
مبتسم شادکننده روضه چمن	نزار افسرده و پریشان

(آیه سی ام) قوله تعالی فی سورة یس در آیه (٣٣) و آیة لهم الارض المیتة احییناها و اخرجنا منها حبا فمنه یاکلون یعنی آیتی برای ایشان زمین مرده ایست زنده گردانیدیم و میوه از آن بیرون آوردیم پس از آن میخورند کابلی از علی بن الحسین علیهما السلام روایت کرده و از جعفر فرمود که قائم ع از اهل مدینه همه را بقتل میرساند تا اینکه به جحفه رسد و آن نام آبی است در راه مدینه که بخزیمه در آنجا گرسنگی شدید بایشان عارض میشود بنوعی که از شدت آن فریاد میکنند در اثنا میوه برای ایشان روئیده میشود از آن میخورند و نوش

برمیدارند این است معنی قول خداوند تعالی (وآیة)
حضرت امیر تلاوت فرمود بعد از آن براه می افتند تا اینکه به
قادسیه میرسند حالتی که مردم بکوفه جمع شده و بیعت با سفیانی
کرده میباشند (آیه سی و یکم) قوله تعالی فی سورة الاعراف
در آیه (۱۸۷) یَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَیَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا
عِنْدَ رَبِّی لَا یُجَلِّیهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا
تَأْتِیكُمْ إِلَّا بَغْتَةً الی آخر الآیه یعنی از وقت ساعت از تو می پرسند بگو علم آن
نیست مگر در نزد پروردگار و در آیات ظاهر نمی گرداند در وقتش مگر
او و زمان ساعت با اسمانها و زمین گران است) از مفضل بن عمر روایت
شده او گفت که از مولای خود صادق ع پرسیدم که آیا برای ظهور
مهدی ع وقت معینی هست که خلایق بدانند فرمود حاشا از اینکه
خداوند تعالی برای آن وقت معینی فرماید که شیعه بدانند عرض کردم
ای قائم این چه راه است فرمود نیز او وقت ظهورش عبارت
است از ساعتی که خدای تعالی در کتاب خود فرموده (یسئلونك
عن الساعة) الخ حضرت آیه را خواند با قول خدا فاصحاب سر خدا
که اسرار پنهان است دانستن آن نزد خدای دو جهان است
مرتبت نه با جزء نه با رسل و نه با عقل مفهوم نگردد که
معلوم زمان است) بنا بروایت مفضل ع چند فقره از آیات
عشاکه در قرآن مجید است چنانچه آقای مجلسی ع در بحار الانوار

نوشته بظهور قائم ع تاویل و تفسیر شده است و از جمله آن آیات
یکی هم قوله تعالی فی سورة احزاب در آیه (۶۳) یَسْئَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ
قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا یُدْرِیكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِیبًا کرایه (آیه
سی و دوم) از این کتاب ستین بروایت مفضل حضرت
صادق ع فرمود و نیز همان رشت همین وقت از ساعتی که خدای
تعالی فرموده) یَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَیَّانَ مُرْسَاهَا) (آیه
سی و سیم) در سوره والنازعات آیه (۴۲) و نیز فرموده عنده
علم الساعة) دانستن ساعت معهود در نزد خدا است نه در نزد
دیگر کس) (آیه سی و چهارم) قوله تعالی فی سوره زخرف در آیه
(۶۶) هَلْ یَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِیَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا
یعنی ایشان منتظر نمی شوند مگر بساعتی که باغفلت و ناگهان بایشان
بیاید بدرستیکه علامتهای آن رسید) (آیه سی و پنجم) قوله
فی سورة قمر در آیه (۱) اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ
(آیه سی و ششم) در سوره شوری در آیه (۱۷ و ۱۸) قوله
وَمَا یُدْرِیكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِیبٌ یَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِینَ لَا
یُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِینَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَیَعْلَمُونَ أَنَّهَا
الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِینَ یُمَارُونَ فِی السَّاعَةِ لَفِی ضَلَالٍ بَعِیدٍ
یعنی چه چیز ترا دانا کرد باینکه قیام بعث نزدیک است تا انکه بخشیت

ان تصدیق نکرده اند بظهور آن می شتابند و آنانکه بان ایمان
آورده اند و تصدیق کرده اند از ظهور آن میترسند و میدانند
که آن حق است باید واقع گردد آگاه شوید بدرستی آنانکه در
خصوص ظهور صاحب عصر مجادله میکنند هر آینه در گمراهی اند و از راه راست
دورند مفضل میگوید بخدمت حضرت عرض کردم که معنی مجادله
چیست فرمود اینست که میگویند قائم ع کی متولد شده و کدام
شخص او را دیده و در کدام مکان می باشد و کی ظهور خواهد کرد
همه این سخنان از راه تعجیل و شتابست بامر خدا الی آخر حدیث بدانکه
آیات صاحب عصر چنانکه ذکر شد بنابر روایت مفضل عبارتست از قیام
قائم ع و در روایات دیگر عبارتست از قیامت ولی ممکن است
جمع میان این دو امر مهم و عظیم با اینکه قیام قائم ع و ظهور دولت
حقه محمد ص متصل است بقیامت و علامات این دو امر در دنیا
اتفاقاً غالباً مشترک است فلذا همینکه قائم ع قیام فرمود مثل
اینست که قیامت بر پا شد) آیهٔ سی و هفتم (
قوله تعالی فی سورة الفتح در آیه (١٠) اِنَّ الَّذِینَ یُبَایِعُونَکَ اِنَّمَا
یُبَایِعُونَ اللهَ یَدُ اللهِ فَوْقَ اَیْدِیهِمْ فَمَنْ نَکَثَ فَاِنَّمَا یَنْکُثُ
عَلَی نَفْسِهِ وَمَنْ اَوْفَی بِمَا عَاهَدَ عَلَیْهُ اللهَ فَسَیُؤْتِیهِ
اَجْراً عَظِیماً یعنی بدرستی آنانکه بتو بیعت میکنند این بیعت
و جز این نیست در حقیقت بخدا بیعت کرده اند دست خدا در

بالای دستهای ایشانست پس هر که بیعت را بشکند ضرر بر نفس خود زده
و آنکسیکه وفا بکند بآنچه بر سر آن که عهد بسته است با خدا پس خواهد
داد خداوند تعالی باو اجر بزرگی بفرموده حضرت صادق ع این آیه را
حضرت قائم ع وقتی تلاوت میفرماید که تنها در بیت الله الحرام می ایستد
و تنها داخل کعبه می شود و شب براو میاید در حالتیکه تنها است وقتی
که شب آخر و تاریک شد و خلایق بخواب رفتند جبرئیل و میکائیل و صفوف
ملائکه بخدمت آنحضرت نازل میشوند جبرئیل بحضرتش عرض میکند که ای
سید من سخنت مقبول و امرت جاریست در آنحال آنحضرت دست
مبارکش را بروی مبارکش میکشد میفرماید) آیهٔ سی و هشتم (
قوله تعالی فی سورة الزمر در آیه آخر سوره اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی صَدَقَنَا
وَعْدَهُ وَاَوْرَثَنَا الْاَرْضَ نَتَبَوَّءُ مِنَ الْجَنَّةِ حَیْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ اَجْرُ الْعَامِلِینَ
یعنی حمد مر خدائی را که وعدهٔ خود صادق کرد بما و ما را بر زمین وارث
کرد و در هر جا بهشت که بخواهیم منزل میکنیم پس چه خوبست جزای
عمل کنندگان) مناسب دیدم مضمون این شعر را که گفته اند
شکر خدا که هر چه طلب کردم از خدا بر منتهای مطلب خود کامران شدم
پس در دنیا رکن و مقام میایستد و باواز بلند صدا میکند میگوید
ای جماعت نقباء و خاصان من ای آنانکه خداوند تعالی ایشان را
پیش از ظهور من در روی زمین برای نصرت و یاری من ذخیره کرده
با صمیم قلب و با طاعت نزد من آئید پس صدای حضرت در شرق و

وعزت مبین همه ایشان در حالتی که بعضی در محراب عبادت
و بعضی در میان خواب خود میباشند میرسد در یک صدا از دن
صدائی در او می شوند و دعوتش را قبول نموده رو بسمت وی می
گذارند و زمانی برایشان نمی گذرد مگر بقدر یک نگاه کردن چشم
تا اینکه همه ایشان در میان رکن و مقام در پیش روی او حاضر می
شوند (سرمی طیفم من یجلو بطلعته الدجی شکفت الله بخشم
که این دولت از کجا) در ظاهر خدا امر میفرماید نوری ستونوار
از زمین تا آسمان کشیده می شود بسبب آن همه مؤمنان در روی زمین
روشنائی اخذ می کنند و نوری از آن همه که در اندرون خانهای
خود شان میرسد دلهای ایشان ببلبل شاد میشود (للمؤلفه
دنیا است همی گلشن دلها است بسی روشن از نور رخ او یکی
بی اوست جهان گلخن نور ازلی است او پور علوی است او از فاطمه
را فرزند نسل نبوی است او از نور رخش روشن سازد همه غبرا
نه سطح زمین تنها بلکه همه خضراء ملک و ملکوت هر دو در
امر قضا توام منقاد و مطیع هستند هم جن و بشر با هم او
مهدی این امت او شاه ملک سیرت او قائم برحق است
در دایره خلقت اقطاب همه عالم در دایره امکان او
باشد اجدادش او باشد و ایشان) بقیه خبر ایشان
می دانند که قائم ما اهل بیت ظهور نموده بعد از آن صبح روی

کنند در زمانی که در پیش روی آنحضرت ایستاده باشند ایشان
سیصد و سیزده نفرند بقدر اصحاب رسول خدا بر پشت کعبه
داده دست را دراز میکند دستش مانند آفتاب روشن و نورانی
مینماید (للمؤلفه ناصح) چو موسی با ید بیضا که غالب گشت
بر فرعون اگر شب بود می گفتم قمر گردید کالعرجون از آن
روشن که گویم خور کم از قرص هلال آید ز صد خورشید بالاتر
ز صد بدر منیر افزون) و میفرماید که این دست خلافت در از
جانب خدا است و با امر خدا است بعد از آن این آیه شریفه را
میخواند ان الذین یبایعونك الخ (آیه سی فتح) را
قوله تعالی فی سورة القصص (آیه ۵) و نرید ان نمن علی الذین
استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین و
نمکن لهم فی الارض و نری فرعون و هامان و جنودهما
منهم ما کانوا یحذرون یعنی میخواهیم که منت گذاریم بر
کسانیکه ضعیف شمرده شدند و ایشان را امامان و وارثان
زمین قرار بدهیم و برای ایشان در روی زمین تمکین و قدرت بدهیم
و بنمائیم از دست ایشان بفرعون و هامان و لشکرهای ایشان عذابی که
از آن میترسند حذر میکنند در حدیث است که مفضل عرض کرد که فرعون
و هامان کیانند فرمود ابو بکر و عمر لعنهما بیان از معنای آیه شریفه صریح آنکه
است که حضرات ائمه معصومین رجعت بدنیا خواهند نمود و مصداق آن را

خداوند که منت گذاشتن است بر آنان که کفار و مشرکین و منافقین و
ناصبین آنها را ضعیف شمردند و مقامات عالیهٔ ایشان را پست کردند و
بهر نحوی که امکان داشتند در زوال نجات و رتبهٔ ایشان برآمده و خود ایشان
را با زهر و شمشیر با معاونت اشرار امثال خودشان بقتل رسانیدند بظهور
این ناجا حضرات معصومین که مشمول مضمون این آیهٔ کریمه هستند باز برگردند و
انتقام خودشان را از معاندین و قاتلین و اعانت کنندگان بگیرند
چنانچه کتب معتبرهٔ علمای شیعه رحمهم الله از اخبار رجعت محمد و آل محمد ع پر است
از انجمله مفضل از حضرت صادق ع روایت کرده در ذیل حدیث سفیانی
که بعد از آنکه قائم ع بر بالای سفیانی لشکر بسمت دمشق میفرستد او را
میکشند و در بالای صخره سرش را میبرند حضرت حسین ع با دوازده هزار و هفتاد و
دو نفر اصحاب خود که در کربلای معلی در خدمتش بودند بدنیا رجوع می
کنند بعد باید بموردی از رجعت نورانی و آشکار آن حضرت بجمله‌ای
صدیق اکبر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب ع خروج میکند خیمه در نجف
الاشرف برپا و زده میشود و چهار ستون بر آن بر پا میشود بحار و تفصیل
ستونها مراجعه نمایند بجلد سیزدهم بحار الانوار مجلسی بار حضرت
پیغمبر باید گویا چراغهای آن خیمه می بینم که مانند آفتاب در آسمان
را منور کرده اند در آنوقت مصداق این آیه محقق میشود)
یَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ وَتَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ الی آخر الآیه در آن روز
عقاید نهانها و چیزهائی که در دلها پنهان است امتحان کرده میشوند

تا اینکه

تا اینکه حوضها و نهانها ظاهر شود و دیگر زبانها بسته میشوند
وهم زنهای شیرده از شدت هول روز از بچه‌ها غافل میشوند
بعد از آن سید که حضرت پیغمبر با انبیا و صحابهٔ خود و آنانکه
با او ایمان آورده و او را تصدیق کرده و در جهاد در خدمتش شهید شده
اند ظهور میکنند و احضار کرده میشوند آنانکه حضرت را تکذیب کرده اند
و آنانکه در حق او گفتند که او ساحر و کاهن و دیوانه و یا افتراء سخن
گوینده است و آنانکه فرمایش او را رد کرده اند یا آنانکه در حق بودن
او شک کرده اند و آنانکه با آنحضرت محاربه نمودند از دو طرف
ایشان را احضار میکنند برای اینکه از ایشان بامر من یعنی انتقام
گرفته شود بعوض کارهائی از بعثت تا زمان ظهور قائم
ع در عصر هر یک را که کرده اند جزا و پاداش داده میشوند در آن
وقت این آیه ظهور میشوند توضیح
چنانکه روز جزا وصف اسم روز قیامت است همچنین ایام
دار مکافات لقب است که گویند در مکافات خانهٔ دنیا همه
مهمان کردهٔ خویشند فرمود حضرت امیرالمؤمنین ع است) که ما
يَزْرَعُ الزَّارِعُ سَوْفَ يَحْصُدُ) یعنی هر شخص کار دهان می
درود و چنین نیست که تمامی جزای اعمال را آخرت بماند و در دنیا
بعید باین حال ناظر است قوله تعالی وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى
دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ باز مفضل عرض کرد ای سید من آیا

رسول خدا و امیرالمؤمنین با قائم علیهم السلام می باشند فرمود ایشان
ناچارند بروی زمین قدم بگذارند آری بخدا سوگند یاد می
کنم هر آینه همه دنیا را می گردند حتی اینکه به پشت کوهی که بدنیا
احاطه کرده شده میروند ظاهر اینست که مراد از آن کوه قاف
باشد آری بخدا سوگند یاد میکنم هر آینه ظلمات و هر دریاها را طی
کردند هیچ مکانی نمی ماند خدا را مگر اینکه بآنجا قدم میگذارند و
دین خدا را در آنجا برپا میدارند بعد از آن گویا ما جماعت ائمه
را نگاه میکنم خود ما را می بینم که در پیش رسول خدا ص ایستاده با
حضرت شکایت می کنیم که بعد از تو امت ما را تکذیب نمودند و
حکم ما را بر روی ما برگردانیدند و بر ما دشنام دادند و لعنت
کردند و بقتل رسانیدند خلفای جور برای نظم امورات خود ما
را از مکه و مدینه بپایتخت خودشان بردند با ستم حبس کردند و
بقتل رسانیدند در آنحال رسول خدا ص گریه میکند و میفرماید
که ای پسران عزیز هیچ اذیت بشما نرسیده است مگر اینکه مثل
آن پیش از شما بجد شما رسیده است بعد از آن حضرت فاطمه ع
از ابوبکر و عمر لع شکایت می کند) از ظلمهائیکه در کتب اخبار
بتفصیل مذکور است و هکذا حضرات ائمه ع بنوبه شکایتهای
خود را از دشمنان عهد خودشان بخدمت رسول خدا ص
عرض می کنند طالبان شرح و تفصیل بجلد سیزدهم بحار

الانوار

الأنوار مجلسی ره و نور الأنوار و مشکوة الأنوار شیخ علی اصغر
بروجردی و غیبت طوسی ره و سایر کتب غیبت رجوع فرمایید
آیه چهلم فی سورة السجدة در آیه (۲۱) قوله تعالی وَلَنُذِیقَنَّهُم
الْعَذَابَ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ یعنی هر آینه پیش از عذاب
بزرگ عذاب کوچک را بایشان می چشانیم در تفسیر مذکور است
که مراد از عذاب ادنی عذاب رجعت است با شمشیر و معنی قول خدا در
آخر این آیه لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ این است که ایشان در زمان رجعت باید
بدنیا برگردند تا اینکه معذب شوند در ذیل حدیث گذشته
است که مفضل عرض کرد که ای سید من از شیعیان شما پاره هستند که
برجعت شما قائل نیستند فرمود آیا نشنیده اند قول جد ما و قول
ما ائمه که می گوییم وَلَنُذِيقَنَّهُمْ الی آخر آیه آن حضرت فرمود که عذاب
نزدیک عذاب رجعت و عذاب بزرگ عذاب قیامت است
آنچنان روزی که زمین و آسمان بغیر این زمین و آسمان تبدیل
شوند در محضر خدای یگانه و قهار حاضر میباشند آیه
چهل و یکم قوله تعالی فی سورة النمل در آیه (۸۱) وَيَوْمَ
نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ حَتَّى
إِذَا جَاؤُوا قَالَ أَكَذَّبْتُمْ بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا أَمَّا
ذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ حاصل مضمون آیه شریفه این است که
روزی میشود که از هر امت طایفه را زنده می کنیم از آنانکه

ایات مارا تکذیب می کردند پس وا ایشان مضطرب و بیقرار
می باشند وقتی که زنده می شوند و میایند بخدا یتعالی از راه سرزنش
بایشان می فرماید که آیا تکذیب کردید حال آنکه علم شما بان احاطه
نکرده بود و حقیقت آنها را نشناخته بودید این چه کار که می کردید
حضرت صادق فرمود که مراد از ایات در این ایه امیر المؤمنین و ائمه
علیهم السلام اند و حسین بن مختار از ابی بصیر روایت کرده که باقر
بمن فرمود که آیا اهل عراق رجعت را انکار می کنند عرض کردم
آری حضرت فرمود که آیا در قرآن مجید این آیه را نخوانده اند و
یوم نحشر الخ این آیه را خوانده اند

ایه چهل و دوم

قوله تعالی فی سورة آل عمران در ایه (۱۵۰) وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِی
سَبِیلِ اللّٰهِ اَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللّٰهِ وَرَحْمَةٌ خَیْرٌ مِمَّا یَجْمَعُونَ
وَلَئِنْ مُتُّمْ اَوْ قُتِلْتُمْ لَاِلَی اللّٰهِ تُحْشَرُونَ یعنی اگر شما کشته
شوید در راه خدا یا بمیرید هر آینه آمرزش و رحمت از خداوند
بهتر است از آنچه جمع می کنند و هر آینه هرگاه بمیرید یا کشته
شوید هر آینه بسوی خدا محشور خواهید شد از جابر بن یزید و او
حضرت باقر روایت کرده که از آن حضرت پرسیدم از معنی
قول خدا یعز و جل وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ الخ فرمود یا جابر آیا میدانی
که مراد از سبیل الله چیست عرض کردم که بخدا سوگند یاد می
کنم هر آینه نمیدانم مگر وقتی که از تو بشنوم فرمود که

مراد از سبیل الله علی و ذریه اوست پس هر که در ولایت آن
حضرت کشته شود در معنی اینست که در راه خدا کشته شده
احدی نیست که باین ایه ایمان آورده و آنرا تصدیق نموده باشد مگر
اینکه برای او کشته شدنی و مردنیست پس هر که کشته گردد در
رجعت رجوع میکند تا اینکه بمیرد هر که بمیرد در آن روز زنده می شود
تا اینکه کشته شود مجلسی ره میفرماید که ظاهر چنین است که آخر حدیث
برای آخر ایه تفسیر باشد و آخر ایه این است وَلَئِنْ مُتُّمْ اَوْ
قُتِلْتُمْ لَاِلَی اللّٰهِ تُحْشَرُونَ یعنی اگر بمیرید یا کشته شوید هر آینه بسوی
خدا محشور می شوید بقرینه اینکه مراد از حشر رجعت باشد ایه

چهل و سیم

قوله تعالی فی سورة آل عمران در ایه (۸۰) وَاِذْ اَخَذَ
اللّٰهُ مِیثَاقَ النَّبِیِّینَ لَمَا آتَیْتُکُمْ مِنْ کِتَابٍ وَحِکْمَةٍ ثُمَّ جَاءَکُمْ رَسُولٌ
مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَکُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ یعنی و وقتیکه
بشما اهدا کتاب شریعت را که تصدیق کننده است باو ایمان بیاورید
و باو یاری می کنید عیاشی از جابر از حضرت باقر روایت نموده که
حضرت امیر المؤمنین فرمود بدرستیکه خدا یتعالی احد است
یعنی غیر مرکب و واحد یعنی بی نظیر و لا شریک در وحدانیت
خود متفرد و تنها بود بعد از آن کلمه فرمود آن کلمه گردید نوری
شد بعد از آن از آن نور محمد را و علی را و اولاد ایشان را آفرید بعد از
آن کلمه فرمود آن کلمه گردید روحی شد این روح را در

۳ آنچه را که باشما است

ان نور قرار داد بعد از ان روح را با ان نور در بدنهای ما گذاشت پس بنا بر این ما روح خدا و کلمهٔ او ئیم و بما حجت خود را بر مخلوقات خود تمام نمود پس بعد از انکه افریده شدیم در میان ابرهای سبزی بودیم یا در میان ابر سبزی بودیم در وقتی که نه افتاب بود و نه ماه و نه شب بود و نه روز و نه چشمی بود در انجا که نگاه کند بخدا بندگی و تقدیس و تسبیح میکردیم و این پیش از ان بود که خدا تعالی مخلوقات را خلق کند و خداوندگار از انبیا عهد و میثاق گرفت که بما ایمان اورند و یاری کنند ما نیست معنی قول خدا تعالی و اذ اخذ الله الی اخر ایه بعد از ان امیر المؤمنین ع فرمود که یعنی بمحمد ص ایمان اورید و بوصی او یاری میکنید و بعد از این همه پیغمبران با و یاری خواهند کرد خدا تعالی از من و محمد ص عهد و پیمان گرفت که بیکدیگر نصرت بکنیم من بعهد خویش وفا نموده و محمد ص را یاری کرده در پیش رویش جهاد نمودم و دشمنانش را بقتل رسانیدم و بعهد و پیمان خویش وفا کردم و خدا تعالی ایشان را از دار الفنا بدار البقا برده و بعد از این مرا نصرت و یاری خواهند کرد و ما بین مشرق و مغرب برای من خواهد بود و هر اینه خدا تعالی همهٔ پیغمبران را از ادم تا محمد ص زنده میگرداند همه پیغمبران مرسل در پیش روی من شمشیر بر مردگان و زندگان منافقان و کافران از

انس و جن میزنند در این امر عجبیست و چگونه نمائیم از مردگان که خدا تعالی ایشان را زنده میگرداند طایفه طایفه لبیک لبیک یا داعی الله گویان داخل کوچه های کوفه می شوند در حالتی که شمشیرها را از غلاف کشیده بدوشهای خود میگیرند برای اینکه با انها بر کافران و جباران تا همان ایشان از اولین و اخرین بزنند تا اینکه خداوند تعالی بجای اورد وعده را که در بارهٔ ایشان نموده و چنانکه فرموده

ایهٔ چهل و چهارم

قوله تعالی فی سورة النور در ایهٔ (۵۵) وَعَدَ اللهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنکُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضَیٰ لَهُمْ وَلَیُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا یَعْبُدُونَنِی لَا یُشْرِکُونَ بِی شَیْئًا یعنی خدا تعالی وعده و عهد نمود با انکه ایمان اورده و عمل صالح کرده اند که ایشان را خلفا روی زمین نموده گرداند چنانکه امان را که پیشتر از ایشان بودند خلفا روی زمین نمود و با ایشان در خصوص دینی که برای ایشان برگزیده تمکین بدهد و خوف ایشان را بامنیت مبدل نماید تا با اطمینان و خاطر جمعی بعبادت نمایند و هیچ چیزی را بمن شریک قرار ندهند بعد از ان امیر المؤمنین ع فرمود که معنی اخر ایه این است که تا اینکه با اطمینان و خاطر جمعی بعبادت کنند از احدی از بندگان من نترسند و تقیه ننمایند بعد از ان این فقرات بلاغت ایین را ادا فرمودند اِنَّ لِیَ الکَرَّةَ بَعْدَ الکَرَّةِ وَ

والرجعة بعد الرجعة وأنا صاحب الرجعات والكرات وصاحب
الصولات والنقمات والدولات العجيبات وأنا قرن من
حديد وأنا أخو رسول الله وأنا أمين الله وخازنه وعيبة
سره وحجابه ووجهه وصراطه وميزانه وأنا الحاشر إلى الله
وأنا كلمة الله التي يجمع بها المفترق ويفرق بها المجتمع
وأنا أسماء الله الحسنى وأمثاله العليا وآياته الكبرى وأنا
صاحب الجنة والنار أسكن أهل الجنة الجنة وأهل النار النار
وإلي تزويج أهل الجنة وإلي عذاب أهل النار وإلي إياب
الخلق جميعا وأنا المآب الذي يؤوب إليه كل شيء بعد
القضاء وإلي حساب الخلق جميعا وأنا صاحب الهبات و
أنا المؤذن على الأعراف وأنا بارز الشمس وأنا دابة الأرض
وأنا خازن الجنان وصاحب الأعراف وأنا أمير المؤمنين
ويعسوب المتقين وآية السابقين ولسان الناطقين و
خاتم الوصيين ووارث النبيين وخليفة رب العالمين
وصراط ربي المستقيم وقسطاسه والحجة على أهل السماوات و
الأرضين وما فيهما وما بينهما وأنا الذي احتج الله
به عليكم في ابتداء خلقكم وأنا الشاهد يوم الدين و
أنا الذي علمت علم المنايا والبلايا والقضايا وفصل
الخطاب والأنساب واستحفظت آيات النبيين المستخفين

والمستحفظين

والمستحفظين وأنا صاحب العصا والميسم وأنا الذي
سخرت لي السحاب والرعد والبرق والظلم والأنوار والرياح
والجبال والبحار والنجوم والشمس والقمر وأنا القرن الحديد و
أنا فاروق الأمة وأنا الهادي وأنا الذي أحصيت كل شيء
عددا بعلم الله الذي أودعنيه وسره الذي أسره إلى محمد
وأسره النبي إلي وأنا الذي أنحلني ربي اسمه وكلمته و
حكمته وعلمه وفهمه يا معشر الناس سلوني قبل أن
تفقدوني   خطبه مباركه جهت تيمن بدين روايت براى
ابستها بر مقصد تيمنا وتبركا درج كرديد ترجمه اش بدين شرح
بحار الانوار باباره اشارات وتحقيقات مرقوم است آيه
وفي حل تحت قوله تعالى في سورة النحل آية (٣٨) وأقسموا
بالله جهد أيمانهم لا يبعث الله من يموت بلى وعدا عليه حقا
ولكن أكثر الناس لا يعلمون تا قول خدا تعالى كاذبين) يعني
كافران با جد وجهد بخدا سوگند ياد كردند كه هر اينه
مردگان را زنده نخواهد كرد خداوند تمام تكذيب ايشان آمده
ميفرمايد آري زنده خواهد كرد اين وعده ايست كه بر خدا
بمقتضاى حكمت خود لازم است از اظهار كرداند و بيان
وفا نمايد تا اينكه مطيع را ثواب وعاصى را عقاب نمايد لكن
بسيارى از خلايق بسبب انكار كردن خدا ونبوت انبيا بعثت

بصحت این مدّعا معتقد نیستند یا اینکه جهة حکمت را در این
زنده کردن اینها نمی فهمند از آن جهة باین معتقد نمی شوند پس خدای
تعالی مردگان را زنده می گرداند تا اینکه حق را در خصوص این چیز که منکران
و کافران در آن اختلاف دارند برای ایشان ظاهر گرداند تا اینکه
بدانند که در انکار این مدّعا دروغ گویانند پس گفته امیر المؤمنین ع
که منم از همه خلایق بمضمون این آیه نزدیکتر که تأویل این آیه در رجعت
است و صاحب رجعتهای چند امیر المؤمنین ع است چنانکه صالح بن میثم
روایت می کند که از باقر ع معنی قول خدا عزّ و جلّ را وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي
السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا پرسیدم آنحضرت در جواب فرمود که
ظهور و تحقق این آیه در وقتی است که علی ع میفرماید که منم اولی از
همه خلایق بمضمون این آیه وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ الخ ابن
مسکان از حضرت صادق ع روایت کرده که آنحضرت ع فرمود که خدا
وند تعالی از زمان آدم تا آخر زمان پیغمبری مبعوث نکرده مگر اینکه بدنیا
بر میگردد و با امیر المؤمنین ع یاری خواهد نمود **آیهٔ چهل و**
ششم قوله تعالی فی سورة النساء در آیه (۱۵۸) وَإِنْ مِنْ أَهْلِ
الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا
یعنی از اهل کتاب کسی نیست مگر اینکه ایمان آورد باو پیش از مردن و در قیامت
در روز قیامت بهمه ایشان شاهد باشد علی بن ابراهیم در تفسیر این آیه روایت
که هیچ کس از اهل کتاب نیست مگر اینکه به پیغمبر خدا پیش از وفاتش ایمان میاورد

از ابی حمزه از شهر بن حوشب روایت کرده که او گفت که حجاج بن
یوسف لع بمن گفت یا شهر آیه در کتاب خدا هست که فهمیدن
آن مرا عاجز کرده گفتم آن کدام است گفت قول خدا تعالی
وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ الخ بعد از آن حجاج گفت بخدا سوگند
یاد میکنم که من هر اینه بارها امر کرده ام تا گردن یهود و
نصاری را زده اند با چشم باو نگاه کرده ام او را چنان ندیده
ام که لبهایش را بجنباند یعنی کلمه طیبه بگوید و اسلام آورد تا
اینکه فوت کرده پس چگونه صادق میشود اینکه همه اهل کتاب
پیش از وفات با آنحضرت ایمان خواهد آورد در جوابش گفتم که خدا
کارهای امیر را باصلاح آورد معنی آیه با نظر تو نیست که تو تأویل
کرده گفت پس چگونه است گفتم که حضرت عیسی ع پیش از قیامت
بدنیا فرود می آید احدی از اهل مذهب یهودی و غیر آن
باقی نمی ماند مگر اینکه پیش از مرگ باو ایمان می آورد و خود آن
حضرت در پشت سر مهدی ع نماز می گذارد در آنحال حجاج لع
گفت خیر باد ترا این تأویل را از کجا آوردی و از کجا اخذ کردی گفتم
محمد بن علی بن الحسین ع بمن خبر داد گفت که بخدا سوگند یاد می کنم
هر اینه این حدیث را از چشمه صافی اخذ کردی) هر اینه فرمایش
خداوند تعالی یَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا شامل حال
حجاج و امثال آن و سایر منافقین است **آیهٔ چهل**

و نهفتم قوله تعالی فی سوره یونس در آیه (۳۹) بل کذبوا بما
لم یحیطوا بعلمه ولما یاتهم تاویله کذلک کذب الذین
من قبلهم یعنی بلکه تکذیب نمودند چیزی را که بعلم آن احاطه
نکرده اند هنوز تاویلات با ایشان نرسیده یعنی مصداق
آن هنوز برای ایشان ظاهر و متحقق نگشته است و بدین نهج
تکذیب نمودند یعنی گفتند که آن هرگز واقع نخواهد شد
آنانکه پیش از ایشان بودند علی بن ابراهیم در تفسیر خود می
گوید که این آیه در خصوص رجعت نازل شده آیه چهل و
هشتم قوله تعالی ایضاً در سوره یونس در آیه بعد از آیه مزبوره
ومنهم من یؤمن به ومنهم من لا یؤمن به وربک اعلم
بالمفسدین یعنی از آنان پاره وقوع رجعت را تصدیق نمی
کنند و پاره دیگر انکار کردند و پروردگارت دانا تر است
بفساد کنندگان یعنی میداند که مفسدان کیانند قمی از
امام محمد باقر ع روایت می کند که اینها یعنی مفسدین دشمنان
محمد و آل محمدند آیه چهل و نهم قوله تعالی فی سوره
الانبیاء در آیه (۹۵) وحرام علی قریة اهلکناها انهم لا
یرجعون یعنی بر اهل قریه که ما ایشان را در دنیا با عذاب
هلاک کرده ایم حرام است اینکه در رجعت بدنیا رجوع نمایند
از ابن عمیر او از ابن سنان او از ابی بصیر و محمد بن مسلم ایشان از حضرت

صادق ع و حضرت باقر ع روایت کرده اند که آن دو بزرگوار فرمودند
که هر قریه که خداوند تعالی آنرا با عذاب هلاک کرده در زمان رجعت
رجوع نخواهند کرد بنابراین این آیه دلیل واضح و برهان لایح است بر وقوع
رجعت زیرا که احدی از اهل اسلام انکار نمی کند که همه خلائق در
روز قیامت بمعاد رجوع میکنند خواه آنانکه در دنیا با عذاب و بلای
الهی هلاک شده اند و خواه آنانکه با عذاب هلاک نشده اند پس باید
مضمون آیه در غیر روز قیامت باشد و آن نیست مگر زمان رجعت پس مراد از
قول خداوند تعالی لا یرجعون زمان رجعت است یعنی آنانکه با عذاب هلاک
شده اند در زمان رجعت رجوع نخواهند کرد و اما روز قیامت پس تمام
رجوع میکنند و زنده شوند تا اینکه داخل دوزخ باشند آیه پنجاهم
قوله تعالی فی سورة النمل در آیه (۸۶) واذا وقع القول علیهم اخرجنا
لهم دابة من الارض تکلمهم ان الناس کانوا بآیاتنا لا یوقنون یعنی
وقتیکه قول بر خلایق [illegible] بیرون میآوریم از زمین دابه را که با ایشان
سخن گوید بدرستی که خلایق آیات ما را تصدیق نمی کنند و بآنها
یقین ندارند در ذیل حدیثی یکی از معصومین ع فرموده که حضرت رسو
ل فرمود یا علی وقتی که آخر زمان رسید خداوند تعالی ترا با بهترین
صورتها بدنیا بیرون می آورد و در هر حالتی با تو میسمی میباشد
که دشمنانت را با آن نشان [میزنی] در آنوقت مردی بخدمت آنحضرت
عرض کرد که اهل سنت میگویند که چگونه میشود این که دا

باخلایق سخن گوید این آیه شیعه را باین گونه سخنان واداشته
آنحضرت بقصد تفریق فرمود که خدا تعالی با ایشان در آتش
جهنم سخن بگوید این است وجز این نیست این دابه با این سخن
گفتن که در میان خلایق متعارف است سخن می گوید ابی بصیر از
صادق ع روایت کرده که آنحضرت فرمود که رسول خدا ص بمسجد آمد
ناگاه امیرالمؤمنین ع را دید که قدری ریگ جمع کرده سر شریف را بر بالای
آن گذاشته خوابیده پس رسول خدا ص آنحضرت را با پای مبارک جنبانید
بعد از آن فرمود که ای دابة برخیز و در بعض نسخه ها چنانست که
ای دابة خدا برخیز چون آنحضرت این سخن را فرمود مردی از اصحاب عرض
کرد که یا رسول الله آیا ما رخصت داریم که یکدیگر را با این نام بنامیم
فرمود نه بخدا سوگند یاد میکنم هر آینه این لقب مختص و منحصر است
باو و آن دابه که خدا تعالی در کتاب خود ذکر نموده اوست و این آیه
را تلاوت فرمود و اذا وقع القول الخ و دلیل بر اینکه این آیه
در خصوص حیثیت است حدیثی است که حضرت صادق ع فرموده
که مردی بعمار بن یاسر ره گفت که یا ابا یقظان آیه در کتاب خدا
دلم را مغشوش و فاسد کرده و شکی در دلم انداخته عمار فرمود
آن کدام است گفت این است اذا وقع القول الخ این دابه
که با خلایق سخن گوید کدام است عمار گفت بخدا سوگند
یاد میکنم هر آینه نمی نشینم و نمی خورم و نمی آشامم تا وقتی که

دابه را

دابه را بتو بنمایم پس عمار با آن مرد بخدمت امیرالمؤمنین ع آمد
که آنحضرت خرما و کره میخورد فرمود یا ابا یقظان بیا عمار رفته
نشست و با آنحضرت مشغول خوردن شد چون آن مرد نشستن
و خوردن او را دید از او تعجب کرد زیرا بخیالش رسید که عمار
سوگند یاد کرد که نه نشیند و نخورد و نیاشامد تا وقتی که دابه را
بمن نشان بدهد حال آنکه نشست و خورد و دابه را بمن نشان
نداد چون عمار از جایش برخاست آن مرد از راه تعجب گفت سبحان الله یا
ابا یقظان تو سوگند یاد کردی که نخوری و نیاشامی و ننشینی تا
وقتیکه دابه را بمن نشان بدهی عمار گفت اگر تعقل و تامل داشته
باشی او را بتو نمودم یعنی مراد امیرالمؤمنین ع است و او را هم بتو نمودم
و نشان دادم آیه پنجاه و یکم قوله تعالی فی سورة النمل
در آخر آیه از سوره مزبوره و قل الحمد لله سیریکم آیاته
فتعرفونها و ما ربک بغافل عما تعملون یعنی و بگو ستایش
مر خدا را که بعد از این می نمایاند بشما آیات خود را پس شما از روی
انصاف می شناسید یعنی امیرالمؤمنین و سایر ائمه علیهم السلام
بدنیا رجوع میکنند و شما نشان وقتیکه ایشان را می بینید
می شناسید دلیل بر اینکه مراد از آیات ائمه است قول امیر
المؤمنین ع است که فرمود خدا را آیتی بزرگتر از من نیست آیه پنجاه

و دوم قوله تعالی فی سورة الحج در آیه (۳۹) اُذِنَ لِلَّذِینَ
یُقَاتَلُونَ بِاَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَاِنَّ اللهَ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِیرٌ
الَّذِینَ اُخْرِجُوا مِنْ دِیَارِهِمْ بِغَیْرِ حَقٍّ یعنی اذن داده میشود
بآنان که قتال میکنند در مقابل اینکه مظلوم شده اند و خدای تعالی
بر نصرت ایشان هر اینه قادر است ایشان آنانند که از دیار خود
و وطنهای خودشان بناحق بیرون کرده شده اند بحسین بن علی
علیهما السلام با قصه بنی اسرائیل که دشمنان آنها بر ایشان غلبه نموده اند
مثل زده شده چنانکه علی بن الحسین ع بمنهال بن عمرو فرمود که مثل
ما در میان قوم خود مثل بنی اسرائیل است در میان آل فرعون که قوم ما
را بقتل خواهند رسانید و زنان ما را باقی خواهند گذاشت یعنی پسران ما
نخواهند کشت آیه پنجاه و سیم قوله تعالی در سوره قصص
در آیه (۸۰) اِنَّ الَّذِی فَرَضَ عَلَیْکَ الْقُرْآنَ لَرَادُّکَ اِلَى
مَعَادٍ یعنی بدرستی خدائیکه فرض کرده است بر تو قرآن را هر
اینه گرداننده است ترا بمعاد یعنی برجعت در روایت است که
حضرت باقر ع فرمود گمان نمی کنم پیغمبر شما را مگر اینکه بر شما ها
طلوع میکند طلوع کردنی یعنی زنده شده بسوی شما خواهند
کشت و از حضرت صادق ع پرسیدند از قول خدای تعالی اِنَّ
الَّذِی فَرَضَ الخ آن حضرت فرمود نه چنان است بخدا قسم
یاد میکنم هر اینه دنیا باخر نمی رسد تا وقتی که رسول خدا ص

و علی

وصلات در توبه با هم جمع نباشند پس را بجا ابیاتی کنند
و محمد بن بابویه نمایند که عظمة الله در سیزدهم مجلدات بحار الانوار
عشر و حامد ذکر است توبه نام نهاده است در کوفه که در آنجا است
قبر ابی موسی اشعری و قبر مغیرة بن شعبه آیه پنجاه و دوم
قوله تعالی فی سورة الصافات در آیه (۱۷۷) فَاِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ
فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِینَ یعنی وقتیکه نازل شود بساحت ایشان
پس بد میشود صباح انذار شدگان در حدیث است که این آیه کریمه در خصوص
بنی امیه و تابعان ایشان نازل شده که در آخر زمان جلال آنها
تباه شود آیه پنجاه و چهارم قوله تعالی فی سورة المؤمن و سوره
غافر باصطلاح اهل سنت در آیه (۱۱) اَمَتَّنَا اثْنَتَیْنِ وَ
اَحْیَیْتَنَا اثْنَتَیْنِ تا قول خداوند تعالی فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ
اِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِیلٍ یعنی ای پروردگار ما ما را دو بار میراندی و
دو بار زنده گردانیدی در روایت است که حضرت صادق
فرمود که این آیه در خصوص رجعت است باین معنی که یکی از این
دو زنده گردانیدن در زمان رجعت و دیگری در روز
قیامت است و یکی از دو مرگ در دنیا است دیگری در زمان
رجعت آیه پنجاه و ششم قوله تعالی فی سورة المؤمن
در آخر سوره فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللهِ وَحْدَهُ وَ
کَفَرْنَا بِمَا کُنَّا بِهِ مُشْرِکِینَ فَلَمْ یَکُ یَنْفَعُهُمْ اِیمَانُهُمْ لَمَّا

رَاَوْا بَاْسَنَا سُنَّةَ اللهِ الَّتِی قَدْ خَلَتْ فِی عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَا
لِکَ الْکَافِرُونَ یعنی پس زمانیکه دیدند شدت ما را می
گویند که تنها بخدا ایمان آوردیم و انکار کردیم آنان را که بر
خدا شریک قرار میدهند پس نبوده است نفع بدهد بایشان
ایمان ایشان زمانیکه دیدند شدت ما را این است سنت و
دأب خداوند در خصوص بندگانش گذشته و جاری شده و زیانکار
شده اند در این مقام کافرها) در حدیث وارد شده که آیه
شریفه در خصوص رجعت است که قوله تعالی لما رأوا باسنا یعنی
در دور رجعت **آیه پنجاه و هفتم** قوله تعالی فی سورة ق
در آیه (۴۴) یَوْمَ تَشَقَّقُ الْاَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا یعنی زمین از
مردگان روز شکافته میشود در حالتی که ایشان باسرعت
بر میخیزند) علی بن ابراهیم در تفسیر خود گفته که این آیه در
خصوص رجعت است **آیه پنجاه و هشتم** قوله تعالی
فی سورة مریم در آیه (۷۶) حَتّٰی اِذَا رَاَوْا مَا یُوعَدُونَ یعنی
تا وقتیکه دیدند چیزی را که بایشان وعده داده شده است
در همین تفسیر فرموده که مراد از آنچه بایشان وعده داده
شده امیر المؤمنین ع است در دور رجعت **آیه پنجاه
و نهم** قوله تعالی فی سورة الطارق در آیه (۱۵) اِنَّهُمْ
یَکِیدُونَ کَیْدًا وَاَکِیدُ کَیْدًا فَمَهِّلِ الْکَافِرِینَ اَمْهِلْهُمْ

رویدا

رُوَیْدًا یعنی بدرستی که کافران حیله میکنند حیله کردنی پس کافران
مهلتی ده مهلت دادنی) از امام پرسیدند از معنی اِنَّهُمْ یَکِیدُونَ
کَیْدًا فرموده که کافران منافقان در باره رسول خدا و امیر المؤمنین و فاطمه
حیله و تدبیر نمودند پس خدای تعالی فرمود که یا محمد اِنَّهُمْ یَکِیدُونَ الی فَمَهِّلِ
در سه نفر هم بجا بعد از اَمْهِلْهُمْ رُوَیْدًا گفته است که اگر قائم قیام نماید
برای من از ستمکاران و طغیانکنندگان قریش و بنی امیه و سایر خلق
انتقام میگیرد **آیه شصتم** قوله تعالی فی سورة الضحی وَلَلْآخِرَةُ خَیْرٌ لَکَ
مِنَ الْاُولٰی یعنی آخرت برای تو بهتر است از دنیا در روایت است که آن
حضرت فرمود که معنی آن این است که یا محمد ص زمان رجعت بهتر است
برای تو از این زمان و دیگر عرض کرد که مراد از قول خدای تعالی وَلَسَوْفَ یُعْطِیکَ
رَبُّکَ فَتَرْضٰی چیست فرمود این است که یا محمد ص پروردگار تو انقدر به تو
عطا میکند که راضی شوی و شوی از اهل جاری و او از کسی روایت
میکنند که از علی ع شنید که می فرموده العجب کل العجب بین جمادی و رجب
در این حال مردی برخاست و گفت یا امیر المؤمنین چیست این عجب که پیاپی
از آن تعجب میکنی فرمود ثَکِلَتْکَ اُمُّکَ یعنی مادرت بعزایت بنشیند
بگرید کدام امر عجیب است که عجیب تر باشد از مردگانی که زنده می شوند
و هر دشمنان خدا و رسول و اهل بیت او را با شمشیر میزنند
آیه شصت و یکم قوله تعالی فی سورة المدثر در آیه (۳۵)
اِنَّهَا لَاِحْدَی الْکُبَرِ نَذِیرًا لِلْبَشَرِ یعنی بدرستی که آن هر آینه یکی

اوتیز گفته است ترسانندهٔ مردم را امام محمد باقر ع فرمود یعنی محمد
ترسانندهٔ خلایق است در زمان رجعت آیهٔ شصت و
دوم قوله تعالی فی سورة المؤمن در آیه (۵۰) انا لننصر رسلنا و
الذین آمنوا فی الحیوة الدنیا و یوم یقوم الاشهاد یوم لا ینفع
الظالمین معذرتهم و لهم اللعنة و لهم سوء الدار
یعنی بدرستیکه ما هر آینه یاری میکنیم پیغمبران خود را
و با آنان که ایمان آورده اند در زندگانی دنیا و در روزیکه شاهدان
بر میخیزند روزی که منفعت نمیدهد ستمکاران عذر آوردن
ایشان و بر ایشان است لعنت دائمی صادق علیه السلام فرمود که بخدا
قسم یاری میکنیم هر آینه مضمون این آیه در زمان رجعت بعرصهٔ ظهور
خواهد آمد آیا نمیدانستی که پیغمبران خدا بسیار در دار دنیا هرگز
خلایق با ایشان یاری نکردند و کشته شدند و امامان و پیشوایان
کشته گردیدند و یاری کرده نشدند پس یاری کردن خدا با ایشان
در زمان رجعت خواهد بود آیهٔ شصت و سیم قوله تعالی
فی سورة ق در آیه (۴۱) واستمع یوم ینادی المناد من مکان
قریب یوم یسمعون الصیحة بالحق ذلک یوم الخروج یعنی
و گوش بده روزیرا که ندا کننده ندا می کند از جای نزدیک
آن روزیست که میشنوند خلایق صیحه را که حق است این است
روز خروج جابر بن زراج از حضرت صادق ع پرسید که این آیه در

خصوص چه امر است فرمود در خصوص رجعت است آیهٔ
شصت و چهارم قوله تعالی فی سورة الاسری یعنی سبحان در
آیه (۷۲) من کان فی هذه اعمی فهو فی الآخرة اعمی و اضل
سبیلا یعنی هر که در این زمان کور باشد هر آینه در آخرت
کور خواهد شد مطلق می فرماید یعنی در زمان رجعت کور و
گمراه خواهد شد آیهٔ شصت و پنجم قوله تعالی فی سورة
بنی اسرائیل در آیه (۶) ثم رددنا لکم الکرة علیهم و امددنا
کم باموال و بنین و جعلناکم اکثر نفیرا یعنی بعد از آن بر
گردانیدیم برای شما برگشتن را یعنی خروج کردن را بر ایشان
و مدد کردیم شما را با اموال و اولاد و گردانیدیم شما را بیشتر از آنها
نمودیم از جهت جمعیت عیاشی از عبد بن موسی روایت کرده او گفته که حضرت
آل محمد ع فرمود که اول کسیکه بدنیا رجوع کنند در رجعت دیگر
وارد شده که آنحضرت و اصحاب او با طاس کلاه ها من هند در سر
خروج می کنند حضرت حجت ع در میان ایشان می باشد وقتی که
قائم ع وفات می یابد انگشتر خود را بحسین ع میدهد حسین ع
در عوض گردیدها یزید و اصحاب او و طابق النعل بالنعل ایشان را
میرساند پس آنحضرت آیه را تلاوت فرمود ثم رددنا لکم الخ
آیهٔ شصت و ششم قوله تعالی فی سورة القصص در آیه
(۶۱) افمن وعدناه وعدا حسنا فهو لاقیه یعنی آیا پس

کسیکه باو وعده خوب دادیم پس هر اینه اوبان وعده خواهد رسید
حضرت صادق ع براوی که محمد بن علی است فرمود کسیکه خدا تعالی
باو وعده خوب داده علی بن ابیطالب ع است خداوند باو وعده فرمود
که در دنیا از دشمنانش برای او انتقام کشد و در آخرت برای او
دوستانش بهشت عده فرموده **آیه شصت و هفتم** قوله تعالی
فی سورة الفجر در آیه (۲۲) وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا
یعنی آمد امر پروردکار تو و ملائکه صف بصف می آیند مجلسی
فرموده که امر پروردکار تو یعنی قائم پرورده امروز تاویل این آیه
ظاهر خواهد شد **آیه شصت و هشتم** قوله تعالی فی سورة
الزخرف در آیه (۲۸) وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ
يَرْجِعُونَ یعنی خدا تعالی کلمه لا اله الا الله را باقی نمود حضرت
ابراهیم ع از بت ها اکر دانید کلمه قرارداد که در میان نسل و ذریة
او که ائمه ع باشند تا روز قیامت باقی است امید هست که ایشان
رجوع نمایند یعنی ائمه علیهم السلام در زمان رجعت بدنیا رجوع
مینمایند بیان برای توضیح مطلب در قیامت رجوع بدنیا
ممکن نیست پس این رجوع باید پیش از قیامت باشد آن هم زمان
رجعت است **آیه شصت و نهم** قوله تعالی فی سورة السجدة
در آخر سوره اَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ
زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ وَيَقُولُونَ

مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ
الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ
إِنَّهُمْ مُنْتَظِرُونَ یعنی آیا ندیدند که ما آب بسوی زمین مرده
میرانیم و بسبب آن زراعتی از زمین بیرون میآوردیم که چهارپایان
خود ایشان از آن می خورند آیا این نعمت را نمی بینند و نمی فهمند
میکویند که این فتح که خواهد شد اگر شما راست کویان باشید بکو
یا محمد ص که در روز فتح بآنانکه کافر شده اند ایمان فایده نمی دهد
و بایشان یاری کرده نمیشود پس از ایشان رو بکردان و منتظر
باش بدرستیکه ایشان منتظرند پس قائم ع از روز خروجش تا روز
وفاتش از سیصد سال بیشتر و از سیصد کمتر در دنیا مکث میکند در
کتاب **کافی** خبر منتهی میشود بحسن بن شاذان واسطی او میکوید که
بخدمت حضرت رضا ع مکتوبی نوشتم و در آن از جفا و ناسازکاری
اهل واسط و از تعدیه ایشان درباره من شکایت کردم و
ایشان جماعتی بودند از طایفه عثمانیه که مرا اذیت و آزار می
کردند آنحضرت بخط خود نوشت که خدا تعالی از دوستان ما عهد
و پیمان کرفته که در ایام دولت باطله صبر نمایند پس بحکم پروردکار
خود صبر کن **آیه هفتاد** قوله تعالی فی سورة الشعرا
در آیه (۴) إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ
أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ یعنی اگر بخواهیم آیتی از آسمان

برایشان نازل می کردانیم پس گردنهای ایشان در پیش ان
ذلیل و پست می شوند ابن عباس گفته که این ایه در شان ما و بنی
امیه نازل شده ما را برایشان دولتی و سلطنتی است پس گردن
های ایشان بعد از انکه سرکش و گردن کش بودند برای ما ذلیل و
پست می شوند ابی بصیر میگوید از حضرت باقر ع از معنی قول خدا
وند تعالی وَإِن نَّشَأْ نُنَزِّلْ الخ پرسیدم فرمود که گردنهای بنی
امیه پیش ان ایه پست میشوند و این ایه در وقت زوال افتاب
یعنی وقت ظهر میشود و ان عبارتست از علی بن ابیطالب که در وقت
ظهر در بالای سر خلایق نمایان می شود بطرزی که خلایق ببینند
حسب نسب انحضرت را میشناسند بعد از ان فرمود که ابا بصیر
که بنی امیه در انچنان باشند که اگر مردی از ایشان در پشت
درخت خرمائی پنهان شود ان درخت گوید این مرد از بنی امیه است
او را بقتل برسانند ایه هفتاد و یکم قوله تعالی فی سورة المعارج
در ایه (۴۴) خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَٰلِكَ الْيَوْمُ
الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ یعنی در حالیکه چشمهای ایشان خشوع و
فروتنی کننده است بطرزیکه انها را ذلت و خواری فرا میگیرد
این روز روزیست که با ایشان وعده داده شده است تفسیر
شخصی از حضرت باقر ع سوال کرده در خصوص این ایه فرمود
که در خصوص خروج قائم است ایه هفتاد و دویم

قوله تعالی فی سورة التکاثر كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا
سَوْفَ تَعْلَمُونَ یعنی چنین نیست خواهید دانست بعد
از ان خواهید دانست عبد الله بن نجیح گفته که این ایه را بخدمت
حضرت صادق ع عرض کردم انحضرت فرمود یعنی ایشان
یکبار در روز رجعت و بار دیگر در روز قیامت خواهند
دانست که اعتقاد شان در خصوص مذهب و ملت باطل بوده
است ایه هفتاد و سیم قوله تعالی فی سورة الشمس
فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا وَلَا يَخَافُ
عُقْبَاهَا یعنی پروردگار شان ایشان را در عوض گناهان
شان هلاک و مستاصل گردانید پس این گونه هلاک
را که همه را فرا گرفت با ایشان دچار نمود نمی ترسد از عاقبت
نافرمانی از حضرت صادق ع فضل بن عباس روایت نموده
که انحضرت فرمود که مضمون این ایه در زمان رجعت حضرت
ظهور خواهد رسید و فرمود از مثل این بلیه در وقتی
که بدنیا رجوع نمود نمی ترسد باز از نافرمانی پرهیز نمی کند مولفه
در تربیت گوهر بی اندوه کوشش مکن گر زند کش او زر محض
بتر بود   بر ادمی طبیعت سالد رنهاد وی   هر گونه
هست لیک بصورت بشر بود)   ایه هفتاد و
چهارم قوله عز و جل فی سورة ن والقلم در

(بوا) سنسمه على الخرطوم يعني داغ خواهيم زد بر دماغش
در خبر است که این در زمان رجعت خواهد شد وقتی که امیر
المؤمنین عود بدنیا رجوع میکنند ایشان را با مهری
که با اوست داغ میکند چنانکه بهایم از لب و دهان داغ کرده می
شوند **آیه هفتاد و پنجم** قوله تعالی فی سورة عم
یوم ینفخ فی الصور فتأتون افواجا یعنی روزی می شود که در
صور دمیده میگردد پس می آیند فوج فوج یعنی قومی بعد از
قومی بدنیا بر میگردند احمد بن عقبه از حضرت صادق روایت
نموده که از آن حضرت از رجعت پرسیده شد که آیا آن حق است واو ان بلد من واوصی
فرمود آری گفته شد که کیست اول کسیکه خروج کند فرمود
امام حسین است که از پی قائم خروج میکند عرض کردم آیا
همه خلایق با آن حضرت می باشند فرمود نه بلکه بطوری
میباشند که خدا تعالی در کتاب خود ذکر نموده آیه را تلاوت
فرمودند یوم ینفخ الخ **آیه هفتاد و ششم** قوله تعالی
فی سورة مریم (ع) واذکر فی الکتاب اسمعیل انه
کان صادق الوعد وکان رسولا نبیا یعنی یا محمد ذکر
بکن در قرآن اسمعیل را بدرستیکه وعده او صادق بود
و از جانب خدا فرستاده شده و خبر دهنده بود برید عجلی
گفت که خدمت صادق عرض کردم یا ابن رسول

الله آیا این اسمعیل که در قرآن ذکر شده اسمعیل پسر ابراهیم است
چنانکه فرقه مخالفان چنین گمان دارند فرمود نه چنین است
که گمان کرده اند زیرا که اسمعیل پیش از وفات ابراهیم وفات نمود
راوی گوید آنگاه عرض کردم که فدای تو شوم پس مراد کدام اسمعیل
است فرمود اسمعیل پسر حزقیل است خدا تعالی او را به پیغمبری قوم خویش
مبعوث نمود قوم او را تکذیب کردند کشتند پوست رویش را کندند
پس خدا غضب نمود بر ایشان و فرستاد سطاطائیل را که ملک عذاب
است نزد او فرستاد سطاطائیل او را گفت یا اسمعیل من سطاطائیل
ملک عذابم جناب رب العزة مرا نزد تو فرستاده برای اینکه قوم تو را
انواع عذاب اگر بخواهی عذاب کنم با سطاطائیل فرمود باین احتیاج نیست
آنگاه خدا تعالی باو وحی فرستاد که یا اسمعیل حاجت تو چیست عرض فرمود ص
کرد پروردگارا تو از خلایق عهد بنبوت گرفتی که ترا پروردگار و
محمد را پیغمبر و اوصیای او را اولیای و پیشوایان بمخلوقات خود خبر دادی
خبر دادی که بعد از وفاتش بر سر حسین بن علی چه خواهند کرد و تو حسین
بن علی علیهما السلام وعده فرموده که او را بدنیا برگردانی برای اینکه
خود انتقام گیرد از آنانکه این کار را در حق او کردند پس پروردگارا
حاجت من از تو این است که مرا نیز بدنیا برگردانی تا اینکه انتقام
بکشم از آنانکه این کار را در حق من کردند چنانکه حسین را بدنیا
خواهی برگردانید پس خدا وند مسئلت او را قبول نموده این را

در باره او دعا فرمود پس او در روز رجعت با امام حسین بن علی
خواهد برگشت در خبر است که آن بزرگوار شغلی داشت رفت به
طایف و دعای او دیگر بزرگی دعا فراموش کرد که برگردد تا یکسال
نیامد آنحضرت از جای خود حرکت نفرمود بعد از مراجعت عذر خواست
فرمود اگر نیامده بودی تا قیامت داشتم از اینجا حرکت نمی کردم از اینجا
بجز خود معلوم شد از ذات صفت وفا ملقب شد بصادق الوعد
و از اینجاست که گفته اند شعر از عهده گفته کریم بوفا باید گردید
از هر چه نظر کنی فزون باید بود ایه هشتاد و هشتم قوله تعالی
فی سورة هود در آیه (۹۵) وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ
قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ یعنی هر آینه
فرستادیم موسی را با آیات خود ما اینکه بیرون آور قوم خود را از تاریکی
ها بسوی روشنی و بیاد ایشان بیاور روزهای خدا را علی بن ابراهیم در
تفسیر خود گفته که ایام خدا سه تا است روز قائم ع و روز مرگ و
روز قیامت ایه هشتاد و نهم قوله تعالی فی سورة
الرحمن در آیه (۶۴) مُدْهَامَّتَانِ یعنی دو باغ سبز یونس بن ظبیان
از ابا عبدالله روایت کرده که آنحضرت فرمود که در مابین مکه و مدینه
در وقت ظهور نخلستانها بهم میرسد آیه هشتاد و یکم
قوله تعالی فی سورة الصف در آیه (۸) يُرِيدُونَ
لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

یعنی

یعنی اراده میکنند که خاموش نمایند نور خدا را با دهنهای
خویشان و حال آنکه خدا تمام کننده است نور خود را حضرت صادق
تفسیر میفرماید که خدا تعالی بقائم ع تمام نور خود را میکند و او
بر همه مذاهب ادیان غالب میکند تا آنوقت غیر از خدا بکسی عبادت
نشود ایه هشتاد و دوم قوله تعالی فی سورة الجن در آیه (۲۴)
حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا
یعنی تا زمانیکه ببینند آنچه را که وعده داده شده اند پس خواهند
دانست که کدام یک ضعیف تر است از حیث یاور کمتر است از جهت شماره در تفسیر
صافی است مقصود از این قائم و امیرالمؤمنین علیهما السلام و انصار
حضرت قائم ع است و اصل معنی اینکه در زمان رجعت امیرالمؤمنین
و انصار آنحضرت خواهند دانست که یاران کدام یک کمتر و ضعیف تر
است للمؤلف ببینیم تا کفر و ایمان کدام ... در هم شکستن
با خر ... نام نیک از ... و شهان نماند بگیتی چو جمشید
جام آیه هشتاد و سیم قوله تعالی فی سورة المؤمنون در آیه
(۷۷) حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ
فِيهِ مُبْلِسُونَ یعنی تا وقتیکه گشادیم بر روی ایشان دری را عذاب
را که سخت است و آن زمان آنها حیران و مأیوس اند حضرت
باقر ع فرمود که آن در عذاب از علی بن ابیطالب است در رجعت
که در روز رجعت بدنیا رجوع میکند جابر میگوید که با ...

عليه السلام بعد از ان معروفست كه امير المؤمنين در خصوص قول خدا
وند تعالى ربما يود الذين كفروا لو كانوا مسلمين يعنى بسا دوست مى
دارند انانكه كافر شده بودند كاش مسلمان ميشدند فرمود كه مراد از
اين ايه اينست كه من و شيعه من و عثمان بن عفان و شيعه او در روز رجعت
خروج ميكنيم و ما بنى اميه را بقتل ميرسانيم در ان وقت انانكه كافر
بودند دوست ميدارند كاش كه ما مسلمان بوديم شعر كاش
بودم بوترابى مرا اما دوستا تا كه در اين روز اينگونه نبودم
خوار زار ايه هشتاد و سيم قال تعالى فى سورة النساء
در ايه (١٣٠) وان يتفرقا يغن الله كلا من سعته وكان الله
واسعا حليما يعنى اگر از يكديگر جدا بشوند غنى مينمايد خداوند همه را
از وسعت خود و هست خداوند وسعت دهنده و حليم تاويل شده
بزمان رجعت امام در ذيل حديثى فرمايد تاويل اين ايه در ان روز ظاهر
خواهد شد كه علم بدلهاى مؤمنان انداخته ميشود پس بطورى
عالم ميشوند كه بعلم برادر دينى خود محتاج نميشوند شعر لمؤلفه
مرات كل شىء بود ان روز سينه ها از قلب مؤمنان بزدايد صيقل ها
از اينه دل همينكه لكه و غبار معاصى فرود مظهر جمال و جلال
حضرت پروردگار و اينه جهان نما خواهد شد) و زين براى
قائم خزينه ها خود بيرون ميارد و قائم بخلايق ميفرمايد
كه بخوريد گوارا باد بر شما در عوض عمرى كه در زمان گذشته

بر شما گذشت پس مسلمانان در ان روز از جهة ديانت غنى ميشوند از
ندا اهل خطا براى ايشان در سخن گفتن اذن داده ميشود پس
تاويل اين ايه و جاء ربك الخ چنانچه ذكر شد در ان روز ظاهر
ميشود ايه هشتاد و چهارم قوله تعالى فى سورة الاسرى
در ايه (٧) ان احسنتم احسنتم لانفسكم وان اساتم
فلها فاذا جاء وعد الاخرة ليسوءوا وجوهكم وليدخلوا المسجد
كما دخلوه اول مرة وليتبروا ما علوا تتبيرا يعنى هرگاه خوبى
بكنيد خوبى كرده ايد بنفسهاى خودتان و هرگاه بدى بنمائيد
پس نيز بخودتان نموده ايد پس وقتيكه امد وعده اخرة براى انكه
سيا كنند رويهاى شما را و بايد داخل بشوند بمسجد چنانچه داخل
شده بودند در اول مرتبه و بايد هلاك كنند بقدر انچه بلندى
كرده و غلبه نموده اند على بن ابراهيم در تفسير خود گفته كه مراد از
وعده اخرت قيام قائم است ايه هشتاد و پنجم
قال تعالى فى سورة الاسرى يعنى بنى اسرائيل در ايه (٥) فاذا جاء
وعد اوليهما بعثنا عليكم عبادا لنا اولى باس شديد فجاسوا
خلال الديار وكان وعدا مفعولا يعنى پس وقتيكه وعده اول
انها امد بر ميانگيزانيم بر شما بندگان خود را كه صاحبان جنگ
و غضب شديد بدند شعر بر تن چو تيغ و بخشم چو دريا
چو عاصف بيكطرفه بوينده دنيا پس جستجو ميكنند ميان شهرها

را میگویند و حجت تمام نماید از حضرت صادق مرویست یعنی چون
دعوت خون خواهی امام حسین میرسد که آن وقت امضاء لا یعنی خروج
قائم و وعده ایست که بنظر خواهد پیوست آیه هشتاد و ششم
قال تعالی فی سورة المدثر در آیه (۲) قم فانذر یعنی یا محمد برخیز
بترسان و حدیث وارد شده که مراد از این قیام حضرت است در
رجعت بر میخیزد و خلق را میترساند آیه هشتاد و هفتم قوله تعالی
فی سورة الدخان در آیه (۱۰) یوم تأتی السماء بدخان مبین
یعنی روزی میشود که آسمان آشکار دود میاورد بعضی آورده
اند که مقصود این است در زمان رجعت خواهد یافت چون خلایق
از قبرها بیرون میایند ظلمت ایشان را فرا میگیرد و میگویند
آیه هشتاد و هشتم قال تعالی فی سورة الدخان در آیه (۱۲)
هذا عذاب الیم ربنا اکشف عنا العذاب انا مؤمنون
یعنی این عذاب دردناک است خدایا بگشا از ما عذاب را بدرستیکه
ما ایمان آورنده گانیم در تفسیر صافی است که از قمی روایت
کرده که این دخان ... در رجعت ...
... میگویند هذا عذاب الیم ربنا اکشف ...
... قوله تعالی انا کاشفوا العذاب
قلیلا انکم عائدون) یعنی خواهید برگشت ...
... روایت کرده ... یوم القیمة ...

ازبرای

از برای توضیح مزید بر مطلب که میشود قول خداوند یوم تأتی
السماء بدخان مبین در روز قیامت نمیشود انکم عائدون
زیرا که بعد از قیامت نیست حالتی که بتوان برگردند پس معلوم
شد که مراد از آن رجعت است آیه هشتاد و نهم قوله
عز وجل فی سورة هود در آیه (۱۰) الا یوم یأتیهم لیس
مصروفا عنهم وحاق بهم ما کانوا به یستهزءون یعنی هر
آینه میاید بایشان روزی که عذاب ایشان برنخواهد گذشت
عذاب بر ایشان در عوض استهزاء و سخریه خواهد رسید در تفسیر
صافی از قمی روایت کرده که اول آیه لیقولن ما یحبسه یعنی چه
مانع شد از وقوع آن یعنی میگویند یا قیام میکند قائم آیا
خروج میکند بطریق استهزاء و ریشخند بیان مراد از آن روز
قیام قائم است که بان استهزاء میکردند والا در وجود بودن
قیامت هیچ فرقه از مسلمین بلکه اغلب فرق اسلام انکار ندارند
تا بان ریشخند نمایند آیه نودم قوله تعالی فی سورة الاسراء
در آیه (۸) عسی ربکم ان یرحمکم وان عدتم عدنا و
جعلنا جهنم للکافرین حصیرا یعنی امید هست اینکه رحم
کند بر شما پروردگار شما و هرگاه برگردید ما هم بر میگردیم
و گردانیدیم دوزخ را برای کافران زندانی که نمیتوانند از
آن بیرون آیند در تفسیر است اگر تنها با خروج سفیانی بر

خارج از

گردید ما هم با قائم آل محمد ع بر میگردیم آیه نود و
یکم قوله تعالی فی سورة العنکبوت در آیهٔ (۱۰) وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ
مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ
الْعَالَمِينَ یعنی هرگاه بیاید یاری و نصرت از پروردگار تو هر
آینه ایشان میگویند که ما با شما بودیم آیا خدا تعالی با نچه در
سینهای اهل عالم است عالم نیست صاحب تفسیر گفته که مراد قائم ع است
آیه نود و دوم قوله تعالی فی سورة الشوری در آیه (۴۱)
وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ یعنی
آنکه کسیکه یاری کرده می شود بعد از مظلوم شدن پس برای او
تسلطی نیست صاحب تفسیر گفته که ابی جعفر ع فرمود کسانیکه
یاری کرده می شوند قائم ع و اصحاب وی اند پس بر ایشان راه
تسلط نیست قائم ع زمانیکه قیام کرد بر بنی امیه غالب میشود
آیه نود و سیم قوله تعالی فی سورة الصف اعنی سیح
در آیه (۱۳) نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ
یعنی یاری از خدا و فتح نزدیک است و مژده بده مومنین
را در تفسیر آورده که فتح را بقائم ع تاویل کرده است)
آیه نود و چهارم قوله تعالی وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى
وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى یعنی قسم بشب در زمانیکه تاریک
می شود و سوگند بروز زمانیکه روشن میشود حماد بن

عثمان از محمد بن مسلم روایت کرده است و گفته که از ابی
جعفر ع پرسیدم از قول خدا تعالی وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى آنحضرت
فرمود که مراد امیر المومنین ع است که در زد دولت باطله ظلمت ظلم و
ستم با و احاطه نمود و نور او را خاموش کرد و مأمور گردید بصبر
نماید گفتم وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى فرمود عبارت از قائم ع است زمانی
که قیام کرد بر دولت باطله غالب می شود آیه نود و
پنجم قوله تعالی فی سورة الغاشیة) هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ
یعنی یا آمده است بتو حکایت غاشیه در حدیث آمده محمد
بن سلیمان روایت کرده از پدر خود او گفته که بابی عبد الله ع
گفتم هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ فرمود مراد قائم ع است
ظالمان را با شمشیر احاطه میکند و مراد در روز قیامت نیست
که خلایق را می پوشد بشدائد خود چنانچه در تفسیر صافی است
آیه نود و ششم قوله تعالی ایضا فی سورة الغاشیة
وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ راوی مزبور گوید که گفتم وجوه الخ
آنحضرت فرمود رویها که بقائم ع خضوع و خشوع میکنند
طاقت اباء و امتناع ندارند گفتم عَامِلَةٌ فرمود عمل به
غیر ما انزل الله میکنند گفتم معنی نَاصِبَةٌ چیست فرمود
که بخلاف منصوبند یا اشخاصی که لایق نبودند آیه
نود و هفتم قوله تعالی فی السورة المزبورة

بصلی نماز احاجته جیست فرمود مقصود از نار در دنیا آتش
حرب قائم ع است و در آخرت آتش جهنم است آیه نود
و هشتم قوله تعالی فی سورة التکویر فلا اقسم بالخنس الجوار
الکنس حاصل معنی نزدیک باین است که قسم بستاره هائیکه پنهان
و مستور شوند مثل مستور شدن آهوها در بیشه که سیر
کنند و هنگامی مستورند و آنها پنج ستاره اند که روزها
پنهان و شبها نمایانند از ابی جعفر ع از تاویل این آیه پرسیدند
فرمود که آن امامی است که در زمانی خود در سال دویست و
شصت غایب شود و بعد از آن ظاهر میگردد مانند شهاب در
تاریکی شب اگر او را درک کردی شاد خواهی شد یا اینکه دیده
ات روشن میباشد شاید مراد از آن پنج ستاره پنج تن آل
عبا است که عالم امکان از انوار آنها خلقت یافته است
و جهت بقاء او امام زمان ع حصول ثمره و نتیجه عالم خلقت
است با ظهور و قیام آن بزرگوار که حقیقت دین در خلافت
و سلطنت او ظاهر خواهد شد آیه نود و نهم
قوله تعالی فی سورة الملک در آیه آخر سوره ان اصبح ماءکم
غورا فمن یأتیکم بماء معین یعنی هر گاه بگردد آب شما
بزمین فرو رود پس کیست که بیاورد بشما آب صاف و
خالص را علی بن حمزه از ابی بصیر و او از ابی جعفر ع

روایت کرده که این آیه در شأن قائم ع نازل شده هر گاه امام
شما غایب شد نمیدانید که در کجا است پس کی میاورد بشما آن
امامی را که اخبار زمین و آسمان را بشما خبر بدهد و بسر کتاب یاد
میکنم هر آینه هنوز تاویل این آیه محقق نشده و بزودی محقق بهم
میرساند بیان) و آنهم عبارت از قیام قائم ع است که بصورت
آب که و عیش الارض فی زندگانی بی کدورت است مثل آب صاف که در
عهد او دیده خواهد شد آیه صدم قوله تعالی فی سوره
آل عمران در آیه (۱۴۰) و تلک الایام نداولها بین الناس و لیعلم
الله الذین آمنوا و یتخذ منکم شهداء یعنی این ایام گردش
میدهیم آنها را در میان مردم و باید بدانند و نداند شناسی که ایمان
آورده اند بگیرد از شما شاهدها از زراره از حضرت ابی عبدالله ع روایت
کرده که آنحضرت فرمود که از وقت خلقت آدم دولت برای خدا و نه
و دولت برای ابلیس و پس دولت در این زمانها و نیست حتما
دولت خدا تنها مگر قائم ع یعنی برای غیر او اطمینان سلطنت نه
رسیدن است که آن سلطنت برای خدا است پس برای قائم ع خواهد
شد آیه صد و یکم قوله تعالی فی سورة الحدید در آیه (۱۷)
اعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها قد بینا لکم الآیات
لعلکم تعقلون یعنی بدانید که خدا وند تعالی زنده میکند
زمین را بعد از مردنش بتحقیق بیان کردیم برای شما آیات را

شاید شما تعقل نمائید ابن عباس روایت کرده یعنی خدا زمین
را بعد از مردنش از ظلم با هالی مملکتها زنده میگرداند بتبیانات
حیاة حقیقی عبارت است از فایده و منفعت معتد به و کامل که منقضی
ان نباشد و عقل او را به پسندد این گونه استفاده از عهد آدم
تا حال که زمان غیبت است بعمل نیامده و دیده نشده پس در
ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه وجود پیدا خواهد کرد که ان
روز روی دنیا چمنی است بی خار و باغی است بی خزان خواجه
بلبل بدل تو غم خزان کاخر   باغ شود سبز و سرخ گل بکشاید   بکشاید
آیه صد و دوم قوله تعالی فی سورة المائده در آیه (۳)
الیوم یئس الذین کفروا من دینکم فلا تخشوهم واخشون. الیوم
اکملت لکم دینکم الی آخر الآیه یعنی امروز نا امید شدند آنانکه
کافر شدند از دین شما پس از ایشان نترسید و بترسید از من حضرت فرمود
در روزی که قائم ع قیام میکند بنی امیه مایوس میشوند بلکه
کافران که اناالعقیده مایوس خواهند شد) دلیل برای این
یاس همان عداوت جبلی و ظلم و جفای این شجره خبیثه
است که هر قدر امکان داشتند با اهل بیت عصمت و خاندان
رسالت وارد کردند بطوری که ابدا محلی برای معذرت و امر نهی
نماند. آیه صد و سیم قال تعالی فی سورة التوبه در
آیه (۳) واذان من الله ورسوله الی الناس یوم الحج الاکبر

یعنی اعلان و اجازه ایست از خدا و رسول او در روز حج
اکبر معصوم ع فرمود مقصود خروج قائم ع و دعوت اوست خلق
را بسوی خود بیان حج اکبر از آن جهة است که حجهای گذشته
هیچ وقت از منافقین و بلکه از مشرکین خالی نبوده ولی در
عهد قائم ع همه حجاج موافق و موحد صرف بوده اند آیه
صد و چهارم قوله تعالی فی سورة فصلت در آیه (۴۰)
ولقد آتینا موسی الکتاب فاختلف فیه یعنی هر آینه دادیم
بموسی کتاب را پس اختلاف کرده شد در آن امام ع فرمود
بنی اسرائیل اختلاف کردند در خصوص کتاب موسی چنانکه این
امت در کتابیکه در نزد قائم است اختلاف کردند یعنی این
کتاب را جمع کثیر انکار میکنند قائم ع که گرد آورده است همان
کتابیست که امیرالمؤمنین بعد از رحلت پیغمبر خدا ص بمسجد آورد
قبول نکردند گفتند قرآنی که عثمان بن عفان نوشته برای
ما کفایت میکند فرمود نمی توانید دید این کتاب را مگر در
نزد پسرم مهدی قائم ع آیه صد و پنجم قال تعالی فی سورة
الاسری در آیه (۸۱) وقل جاء الحق وزهق الباطل ان
الباطل کان زهوقا یعنی بگو حق آمد باطل رفت بدرستی
که باطل زایل شونده است امام ع فرمود در زمانیکه قائم ع
قیام میکند دولت باطل میرود لو صبح از اول

دنیا عوض جلالت باطل بوده و دوره اش تمام شد و حال
هم جلوه حق است و دوران دنیا هست که کشته اهل [illegible]
الحق الی قیام الساعة آیه صد و دوم قال الله تعالی و فی سورة
لقمان در آیه (۲۰) الم تروا ان الله سخر لکم ما فی السموات
وما فی الارض واسبغ علیکم نعمه ظاهرة وباطنة
یعنی آیا نمی بینید اینکه خداوند مسخر کرده برای شما آنچه را
که در آسمان ها و زمین است و کامل نموده نعمتهای ظاهری و
باطنی خود را بشما در روایت است که امام فرمود که نعمت
ظاهره امام ظاهر و نعمت باطنه امام غایب است که از نظر مردم
گردیده و ظاهر میشود برای او خزاین زمین هر چه که در او باشد
باو نشان داده میگردد آیه صد و هفتم قوله تعالی فی
سورة ص در آیه آخرش ولتعلمن نبأه بعد حین یعنی
هر آینه میدانید خبر او را بعد از وقتی امام فرمود که
در وقت خروج قائم خواهند دانست) یعنی بعد از آنکه
کار از دست رفت و وقت تدارک گذشت آن وقت خواهند
دانست که چه غنیمتها از دستشان بیرون رفته و چه فوائد
آنها فوت شده است آیه صد و هشتم قوله تعالی
فی سورة مریم در آیه (۷۵) حتی اذا رأوا ما یوعدون
اما العذاب واما الساعة فسیعلمون من هو شر

مکانا

مکانا واضعف جندا یعنی تا زمانیکه ببینند آنچه را که
وعده داده می شوند یا عذاب است یا الساعة پس میدانند
که کیست بدتر از جهة مقام و کمتر از جهة لشکر ابی بصیر از ابی
عبدالله روایت کرده که آنحضرت فرمود که وقتی که دیدند
خروج قائم را پس در آن روز میدانند آنچیزی که بدست
قائم است ما بیان میشود و میدانند در نزد قائم بدتر از جهة مقام
و کمتر از جهة لشکر) معلوم که لشکر خدا [illegible] آیه الا
ان حزب الله هم الغالبون قوی و غالب است ضعیف و
ان نیست آیه صد و نهم قوله تعالی فی سورة الشوری در آیه
(۲۰) ومن کان یرید حرث الآخرة نزد له فی حرثه ومن
کان یرید حرث الدنیا نؤته منها وما له فی الآخرة
من نصیب یعنی هر کس که باشد اراده کند زراعت آخرت
را زیاد میکنیم زراعت او را و هر کس که باشد اراده کند
زراعت دنیا را یعنی عیش و سعی در کارهایش فقط برای
دنیا باشد میدهیم باو از آن دنیا و نیست در آخرت
نصیبی از برای او و در روایت است که امام فرمود که حرث
آخرت امیر المؤمنین و سایر ائمه علیهم السلام است و گفت
معنی نزد له فی حرثه می باشد فرمود که نصیب او در دولت
ائمه زیاد می شود و فرمود کسیکه نصیب دنیا را

بخواهد که دولت حق از قائم او را نصیبی باشد آیهٔ
صد و دهم قوله تعالی وَاِنَّ لِلَّذِینَ ظَلَمُوا عَذَابًا
دُونَ ذٰلِکَ وَلٰکِنَّ اَکْثَرَهُمْ لَا یَعْلَمُونَ یعنی از برای کسانی
که ظلم کرده اند عذابی است سوای این ولکن اکثر ایشان نمی دانند
در تفسیر صافی است عذابا دون ذلک یعنی سوای عذاب آخرت
و آن قحط و آن عذاب رجعت است با شمشیر) ظلموا ای آل
محمد صلوات الله علیهم اجمعین ولعنة الله علی اعدائهم الی یوم الدین
تمام شد آیات با عدد صد و ده با یمن برکت مطابق آمدن با عدد
اسم مبارک حضرت امیر المؤمنین که علی است بحساب ابجد صد و ده
است الحمد لله اولا و آخرا وظاهرا وباطنا

قسمت دهم در زیارات مشتمله بر ظهور و
فرج حضرت ولی الله الاعظم ارواح العالمین
له الفداء وعجل الله تعالی فرجه و رجعت
حضرات ائمه اطهار و رسول مختار علیه و
علیهم صلوات الله الملک الجبار مجددا ابدا
دنیا و امتداد سلطنت ایشان تا انقراض
دهر و غیرها

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد و
آله اجمعین واللعنة الدائمة علی اعدائهم الی یوم الدین
و بعد اولا تبرکا و تیمنا از روی توسل و استمدادا من
حجة الله الاعظم عجل الله فرجه ابتدا میشود بذکر یک فقره توقیع
رفیع از ناحیه مقدسه از خود امام صادر شده چنانچه در غیبت
طوسی ره و احتجاج طبرسی ره مسطور است که حمیری در خصوص جزئیه
خدمت حجة ابن الحسن ع از جانب مردی که بحق معتقد بود و متعه را
حلال میدانست و برجعت قائل نبود نوشت بسم الله الرحمن الرحیم
اَشْهَدُ اَنَّکَ حُجَّةُ اللهِ اَنْتُمُ الْاَوَّلُ وَالْآخِرُ وَاَنَّ رَجْعَتَکُمْ حَقٌّ لَا
شَکَّ فِیهَا یَوْمَ لَا یَنْفَعُ نَفْسًا اِیمَانُهَا لَمْ تَکُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ اَوْ
کَسَبَتْ فِی اِیمَانِهَا خَیْرًا سؤال شخصی بحق قائل است و متعه را حلال
میداند و برجعت معتقد نیست لیکن زنی دارد موافق طبع و امر شرعی که
از این جهت با وی عهد و پیمان بسته که بر روی او زن نگیرد و زن بجنبه بر
روی او تزویج نکند بعد از خود وفا نموده نوزده سال بر سر این
عهد ایستاده بسا میشود که او از منزلش یکماه غایب میشود در آن مدت
متعه نمی کند و دلش هم این را نمی طلبد و چنان میداند که اطلاع
آنانکه در نزد اوست مانند برادر و پسر و غلام و وکیل و خدمت
کاران او بر متعه کردن او امری است که او را در نظر ایشان

خوار وحقیر مینماید و چنین میدانند که ایستادن بر سر آن عهد که بمیان
از راه میل ومحبت بزن خود وبرای حفظ احترام او واحترام خود برو واجب
است نه اینکه متعه را حرام میدانند بلکه بر آن معتقد است یا بر ترک
متعه معصیت مترتب میشود یا نه **جواب** یُبحث له اَن یطیع الله
لیزول عنه الحلف ولو مرة واحدة یعنی سنت است برای او اطاعت خدا
در خصوص متعه کردن هرچند یکبار نماید تا اینکه زایل کرده از او قسم
خوردن بر ترک متعه یعنی باید لااقل یکبار متعه نماید تا اینکه حکم قسم خوردن
از او زایل گردد در احتجاج طبرسی باین طور است لیزول عنه الحلف علی
علی المعصیة **و توقیعاتی** که از ناحیه مقدسه بعنوان شیخ مفید صادر
و در کتب معتبره ضبط است همه آنها دلیل آشکار اینکه آن بزرگوار در زمان
غیبت متواری وزنده است **اما** فقرات زیارات که از حضرات ائمه اطهار
وارد است و در السنه علمای شیعه حجج اسلام ومجتهدین رحمهم الله الملک
واطال بقاء الباقین مذکور وجاری و در مشاهد مشرفه وعتبات مقدسه
استعمال شده وتا حال از احدی از اهل علم ودیانت اعتراضی بر آنها ایراد نشده
آنها از ائمه معصومین ظاهر شده است اکثر آنها دلالت می کنند
بر ظهور حضرت مهدی ع و رجعت سایر امامان ع چند فقره از آنها در
این وجیزه بجهة مزید بصیرت وتحصیل کمال یقین ومعرفت درج می شود
التماس دعا دارم وطلب مغفرت در حق این بنده گنه کار از قاطبه
قارئین ومطالعه کنندگان محترم توقع میرود **فقره اول**

موسی بن عبدالله نخعی از امام علی النقی در زیارت جامعه روایت
نموده وزیارت را ذکر کرده تا اینکه گفته وجعلنی ممن یقتص
آثارکم ویسلک سبیلکم ویهتدی بهدیکم ویحشر فی
زمرتکم ویکرّ فی رجعتکم ویملّک فی دولتکم ویشرّف فی
عافیتکم ویمکّن فی ایامکم وتقرّ عینه غداً برؤیتکم یعنی خدا
وند تعالی بگرداند مرا از آنان نماید که پیروی شما میباشند و در
راههای شما میروند وبهدایت شما راه می یابند ودر زمره شما
محشور میشوند ودر زمان رجعت شما در میآیند ودر ایام دولت
شما تمکین وقدرت می یابند وچشمهای ایشان فردا بدیدن شما روشن باشد
فقره دویم در زیارت وداع چنین وارد شده ومکّنّی
فی دولتکم واحیانی فی رجعتکم یعنی مرا در ایام دولت شما
متمکن وصاحب قدرت نماید ومرا در ایام رجعت شما زنده گرداند
فقره سیم صفوان بن مهران جمال از حضرت صادق ع در زیارت
اربعین روایت نموده واشهد انی بکم مؤمن وبایابکم
موقن بشرایع دینی وخواتیم عملی یعنی شهادت میدهم باینکه
من بشما ایمان آورده ام با شریعت دین خود وخاتمه عملم از جمله
یقین کنندگانم برجعت شما **فقره چهارم** ابو صفوان
روایت نموده واو گفته از حضرت صادق ع در خصوص زیارت
آقای مظلومان ع اذن طلبیدم واز آن حضرت خواهش

نموده من بنا سور که زیارت آنحضرت را چگونه بعمل بیاورم
و حدیث را ذکر تا اینجا که آنحضرت در زیارت فرمود اشهد کرده
الله و ملائکته و انبیائه و رسله انی بکم مؤمن و
بایابکم موقن بشرایع دینی و خواتیم عملی یعنی شاهد می
خدا و ملائکه و پیغمبران او را باینکه من بشما ایمان آورده
و بشریعت های دینم و خاتمه های عملم برجعت یقین کرده
ام **فقرهٔ پنجم** جزر بن عبدالله و حسین بن روح نقل نموده
او گفته که هر کدام را از مشاهد مشرفه که بخواهی زیارت
بکنی وقتیکه داخل روضه میشوی بدین نهج میگوئی زیارت
را ذکر نموده تا آخر میگوید حتی العود الی حضرتکم و الفوز
فی کرتکم یعنی تا وقتیکه باستانه شما برگردم و در زمان
رجعت شما رستگار شوم **فقرهٔ ششم** ابی قاسم بن علاء
همدانی وکیل امام حسن عسکری نوشته در اینکه بدین مضمون
ان مولانا الحسین ولد فی یوم الخمیس لثلث خلون من
شعبان فصمه و ادع بهذا الدعاء دعا را ذکر نموده تا قول
آنحضرت و سید الاسرة الممدود بالنصرة یوم الکرة
المعوض من قتله ان الائمة من نسله و الشفاء فی تربته
و الفوز فی اوبته و الاوصیاء من عترته بعد قائمهم و
غیبته حتی یدرکوا الاوتار و یثأروا الثار و یرضوا

الجبار و یکونوا خیر انصار یعنی آقای آنجنابی که در رجعت
امداد کرده شده است و بکشته شدنش عوض داده شده اینکه
خداتعالی ائمه را در نسل و ذریه او و شفا را در تربت او و راست
کاری را در زمان رجعت و بازگشت او و اوصیا را از عترت او بعد از
غیبت قائم ایشان تا اینکه از قاتلان آل محمد خونخواهی بکنند
و خدا را از خود راضی و خوشنود نمایند و از بهترین یاری کنندگان
باشند آخر این دعا این است فنحن عائذون بقبره نشهد تربته
و ننتظر اوبته آمین یا رب العالمین یعنی ما بقبر شریفش پناه برده ایم
و بنزد تربتش حاضر میشویم و برجعتش منتظر میباشیم ای پروردگار
این دعا را مستجاب کن **فقرهٔ هفتم** علی بن طاوس در مصباح
الزائرین در زیارت حضرت قائم که در سرداب مبارک خوانده میشود
بدین نهج ذکر نموده و وفقنی یا رب للقیام بطاعته و المثوی
فی خدمته و المکث فی دولته و اجتناب معصیته فان
توفیتنی اللهم قبل ذلک فاجعلنی یا رب فیمن یکر فی
رجعته و یملک فی دولته و یتمکن فی ایامه و یستظل
تحت اعلامه و یحشر فی زمرته و تقر عینه برؤیته یعنی خدا
بمن توفیق عطا نما تا اینکه با طاعت و خدمت آنحضرت قیام و
اقدام نمایم در ایام دولت او مکث و درنگ کنم و از مخالفت
وی بپرهیزم پس پروردگارا اگر قبل از ظهور آنحضرت

بیم ابدی پس ای پروردگار من بکردان مرا از آنان بکن که در زمان
رجعت او زنده شده رو میآورند و در ایام دولتش ریاست و
سلطنت میرسند و در عصر او صاحب قدرت و مکنت و در سایه
ید قهر او میباشند و در جوبه او محشور باشند و دیدهای
ایشان بدیدنش روشن و پر نور و دلهایشان مسرور
میباشد فقرهٔ هشتم علی بن طاوس ره باز در مصباح
الزائر از حضرت صادق ع روایت کرده که آنحضرت فرموده
که هر که بخواهد قبر مطهر جناب رسول خدا ص و ائمه اطهار ع
را زیارت کند باید چنان بکوید زیارت را ذکر نموده تا این
که فرموده اِنّی مِنَ القائِلینَ بِفَضلِکُم مُقِرٌّ بِرَجعَتِکُم لا
اُنکِرُ لِلّهِ قُدرَتَهُ وَلا اَزعَمُ اِلّا ما شاءَ اللهُ یعنی من از
جمله اعتقاد کنندکانم بفضیلت شما و اقرار دارم باینکه
بدنیا رجوع خواهید کرد قدرت خدا را انکار نمی کنم و
کمان نمیکنم مکر چیزی را که خدا خواسته است) فقرهٔ
نهم سعد بن مسلم قائد ابی بصیر روایت کرده از او
کفتم که بعض اصحاب ما از صادق ع در زیارة حضرت
حسین ع تا قول آنحضرت وَنُصرَتی لَکُم مُعَدَّةٌ حَتّی یَحکُمَ
اللهُ وَیَبعَثَکُم فَمَعَکُم مَعَکُم لا مَعَ عَدُوِّکُم اِنّی مِنَ المُؤمِنینَ
بِرَجعَتِکُم لا اُنکِرُ لِلّهِ قُدرَةً وَلا اُکَذِّبُ لَهُ مَشِیَّةً وَ

لا

لا اَزعَمُ اَنَّ ما شاءَ اللهُ لا یَکُونُ یعنی یاری کردن خود را
برای شما مهیا نموده ام یا اینکه زنده کرداند بنا بر روایت دیگر
حَتّی یُحییَکُمُ اللهُ و شما را مبعوث نماید و با دشمنان شما نیستم من
از آنانم که برجعت شما اعتقاد نموده اند قدرت خدا را در زنده
کردانیدن شما انکار نمی کنم و مشیّت او را تکذیب نمی نمایم و
کمان نمیکنم این را که هر چیزی را که بخواهد نشود بعد از آن حضرت
صادق ع در تتمه زیارت فرموده اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی اَمیرِ المُؤمِنینَ
عَبدِکَ وَاَخی رَسُولِکَ تا اینکه فرموده اَللّهُمَّ اَتمِم
بِهِ کَلِماتِکَ وَاَنجِز بِهِ وَعدَکَ وَاَهلِک بِهِ عَدُوَّکَ وَ
اکبِتنا فی اَولِیائِهِ وَاَحِبّائِهِ اَللّهُمَّ اجعَلنا شیعَةً وَاَنصاراً وَ
اَعواناً عَلی طاعَتِکَ وَطاعَةِ رَسُولِکَ وَما وَکَّلتَهُ بِهِ وَاستَخلَفتَهُ
عَلَیهِ یا رَبَّ العالَمینَ یعنی پروردکارا برای امیر المؤمنین که
بنده تو و برادر پیغمبر تست صلوات بفرست بعد از آن فرموده
خدایا با قائم ع کلمات خود را تمام کن) و کلمات خدا عبارتست
از حضرات ائمه ع و وعده خود را با آن حضرت بجا بیاور و
دشمنانت با او هلاک کردان و ما ها را در جرگه
دوستانت بنویس پروردکارا ما را در خصوص برپا داشتن
طاعتت و طاعت پیغمبرت و اداشته و او را در خصوص
آنها خلیفه کرده از جمله یاری کنندکان کردان فقره

یازدهم در خبر دیگر از حضرت صادق ع روایت شده
که آنحضرت فرمود که چون نزد قبر حسین ع آمدی باید بکن
تسبیح گوئی و در نزد قبر هر امام کفایت میکند گوئی و زیارت او کنی
نموده تا بقول خود اللهم لا تجعله آخر العهد من زیارة
ابن نبیک وابعثه مقاماً محموداً تنتصر به لدینک و
تقتل به عدوک فانک وعدته و انت الرب الذی
لا تخلف المیعاد یعنی پروردگارا این زیارت را آخر
زیارت قبر پسر پیغمبر مگردان و او را در مقام و رتبهٔ
پسندیده مبعوث نما که برای دین خود با او یاری کنی و
دشمنان خود را با وی بقتل رسانی پس بدرستی که تو
وعده کرده با وی این را و توئی پروردگاری که وعدهٔ
خود را خلاف نمیکنی **فقرهٔ دوازدهم**
علی بن طاوس ره در کتاب اقبال الاعمال ذکر کرده
که سنت است خواندن این دعا در دحو الارض که بیست
و پنجم ذیقعده است دعا را ذکر نموده تا قول خود) و
ابعثنا فی کرّته حتی نکون فی زمانه من اعوانه
یعنی خدایا ما را در وقت رجعت آنحضرت مبعوث
و زنده گردان تا آنکه در زمان او از جملهٔ یاوران او
باشیم و هکذا در اکثر زیارات منقوله از

ائمه معصومین آیات فقرهٔ دوازده بر رجعت ایشان ع
اشعار و دلالت دارد و لکن تبرکاً و تیمناً با عدد مبارک
باین دوازده حدیث کفایت شد **تذکار** ای عزیز بدان
که بسیاری از ادعیهٔ مأثوره از حضرات ایشان نیز دلالت
دارد صریحاً بر ظهور حضرت حجة الله و رجعت حضرات ائمه لاسیما
ادعیهٔ وارده در ماه مبارک رمضان خصوصاً در آخر دعای
افتتاح که از ناحیهٔ مقدسه برای استفاضهٔ شیعیان عنایت
شده است اشکارا دولت حقه را و حالات آن را بیان نماید
ایشان فهمیدن کفایة لمن تبصر تیمناً ختم قرار دادیم باین
وجیزه عهدنامهٔ امام زمان را عجل الله فرجه و علیه السلام

خاتمة — عهدنامة — الکتاب

علی بن طاوس ره در کتاب مصباح الزائر از جناب جعفر الصادق ع روایت
نموده که آنحضرت فرمود هر که چهل صباح این عهدنامه را
در درگاه الهی دعا نماید هر آینه خدا تعالی او را در وقت ظهور
از قبرش بیرون میآورد و بعوض هر کلمه آن هزار حسنه
او عطا فرماید و هزار سیئه از نامهٔ عملش محو مینماید این
است اللهم رب النور العظیم و الکرسی الرفیع و
رب البحر المسجور و منزل التوریة و الانجیل و الزبور

لم انتظر بلتنا في الوجبة من

وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ
الْمَلٰئِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ اللّٰهُمَّ إِنِّي
أَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ وَ
مُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي
أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمٰوَاتُ وَالْأَرَضُونَ يَا حَيُّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ
لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ اللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ
الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ
عَنِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا
سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَعَنِّي وَعَنْ وَالِدَيَّ
مِنَ الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللّٰهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَمَا أَحْصَاهُ
عِلْمُهُ وَأَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ اللّٰهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ
يَوْمِي هٰذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً
لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي
مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّابِّينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ
إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُحَامِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَىٰ
إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ اللّٰهُمَّ إِنْ حَالَ
بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَىٰ عِبَادِكَ حَتْمًا
فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَزِرًا كَفَنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَرِّدًا
قَنَاتِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي

اللّٰهُمَّ

اهل المناقشة المبالغة للعلت

اللّٰهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَاكْحُلْ
بَصَرِي بِنَظْرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَأَوْسِعْ
مَنْهَجَهُ وَاسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ وَاشْدُدْ أَزْرَهُ
وَاعْمُرِ اللّٰهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَأَحْيِ بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ
وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي
النَّاسِ فَأَظْهِرِ اللّٰهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ
الْمُسَمَّىٰ بِاسْمِ رَسُولِكَ حَتَّىٰ لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ
إِلَّا مَزَّقَهُ وَيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ وَاجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ مَفْزَعًا
لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ
وَمُجَدِّدًا لِمَا عُطِّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَمُشَيِّدًا لِمَا
وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْهُ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ
اللّٰهُمَّ وَسُرَّ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَتِهِ
وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَىٰ دَعْوَتِهِ وَارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ
اللّٰهُمَّ اكْشِفْ هٰذِهِ الْغُمَّةَ عَنِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَعَجِّلْ
لَنَا ظُهُورَهُ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرَاهُ قَرِيبًا
الْعَجَلَ الْعَجَلَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ بِرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مضامين كلمات اعجاز ايات جنان است

که پروردگارا بحق آنچنانی که پروردگار نوری یعنی روشنی نور است
و پروردگار کرسی بلند و پروردگار دریای جوشان و ای
نازل کننده توریة و انجیل و زبور و پروردگار سایه و تابش
آفتاب و ماه پروردگار بهشت و دوزخ و ای نازل کننده
قران عظیم و پروردگار ملئکه مقربین و انبیا و مرسلین ای
پروردگار بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بحرمة وجه کریم و به
نور وجه نورانیت و بملک قدیمت ای زنده و پاینده سؤال
میکنم از تو بحرمة نامت بچنان نامی که آسمانها و زمینها را
بسبب آن نورانی و روشن نموده ای زنده که پیشتر است از همه
زندگان معبودی بحق نیست مگر تو پروردگارا بمولای ما که پیشوای
ره نما و راه نموده شده و قیام کننده است بامر تو صلوات خدا
بر او و بر پدران پاک او باد برسان از جانب همه مردان و زنان مؤمنات
که در شهرهای مشرق و مغرب میان دهموارها و کوهها و بیابانها و
دریا و خشکی دارند از طرف من و از پدر و مادرم از صلوات و
طلب رحمت بقدر وزن عرش خدا و مداد کلمات او و هر قدر دیگر
علم خدا آنرا شمرده و کتاب و بیان احاطه نموده پروردگارا بدرستی
که من در صبح امروز و سایر ایام عمرم برای آنحضرت تازه میکنم عهد
و عقد و بیعتی را که برای آنحضرت در گردن من است از آن
هرگز بر نمی گردم و زایل نمی شوم پروردگارا مرا از جمله

ایمان

انصار

انصار و یاران آنحضرت و دفع کنندگان شر دشمنان او و از جمله
شتاب کنندگان بسوی او در خصوص قضای حوائجش و از جمله حمایت کننده
گان او و سبقت کنندگان بسوی اراده و خواهش او و از جمله شهیدان
در پیش روی او بگردان پروردگارا اگر حایل شود در میان من و ظهور او مرگی
که آنرا بر بندگان خود لازم کرده یعنی اگر تا ظهور آنحضرت مرگم در
یابد پس مرا زنده از قبرم بیرون بیاور در حالتی که کفن خود ملحفه کرده
خود را با آن پوشیده شمشیرم را از غلاف در آورده و نیزه ام را برهنه کرده
میان شهرنشینان بدعوت دعوت کننده لبیک اجابت می گویم پروردگارا
آن طلعت رشیده و نور پسندیده را بمن بنما و بدیده ام با نگاه کردن
بآنحضرت سرمه بکش و بفرج او شتاب کن و خروجش را بر زنیک گردان
و راه او را وسیع کن و مرا در راه او براه ببر پس حکمش را نافذ کن و
کمرش را محکم گردان پروردگارا بسبب او بلاد خود را معمور و بندگان
خود را زنده گردان زیرا که خود فرموده در حالتیکه فرموده تو حق است
که بسبب گناهان خلایق فساد در بیابان و دریا ظاهر و آشکار گردید
پروردگارا پس ولی خود و پسر دختر پیغمبر خود را که بنام پیغمبر نام بر
داشته شده برای ما ظاهر گردان تا اینکه بهیچ چیز از باطل دچار و
گرفتار نشود مگر اینکه آنرا پاره پاره کرداند و برهم بزند و حق
را ثابت و آشکار نماید و پروردگارا او را برای ستمدیدگان
بندگانت ملجأ و پناه گردان و او را یاری کننده گردان برای

ملحفه
پلنگ

کنی که آن حضرت برای او بغیر از تو پناهی کسی نمی‌یابد بگردان
او را چنان کن که معطل و ضایع شده‌ها احکام ترا تازه گرداند
با بها و رواج دهد نشانه‌های دین ترا و سنتهای پیغمبرت محکم
گرداند و او را بگردان از کسانی که ایشان را از شر دشمن
محافظت کرده پروردگارا پیغمبر خود محمد صلی الله علیه و آله را شاد گردان
او را که دعوتش را اجابت و قبول کرده‌اند بدیدن آن حضرت شاد گردان
بخضوع و فروتنی و ذلت ما که بعد از وفات پیغمبر مبارز داده رحم
کن پروردگارا این غم را از این امت بحضور و ظهور آن حضرت برطرف
و ظهورش را با تعجیل برای ما میسر گردان بحق هستی که مخالفان آن زمان
دور هستند ما را از مرتبت همدانیم ای مولای عزای صاحب
الزمان عجل کن ای رحیم ترحم کن که این مسئلت را به سبب
قبول کن بعد از آن با دست سه مرتبه بر ران راست بزنی
در هر مرتبه یکبار بگوئی العجل یا مولای یا صاحب الزمان صلوات
الله و سلامه علیک و علی آبائک الطاهرین و لعنة الله علی
اعدائکم و مخالفیکم و غاصبی حقوقکم و منکری رجعتکم الی یوم الدین

قصیدة التوسل للوالد الحقیر فی التماس المحتاج الفقیر

یا قطب عالم الوجود وحافظا — للشرع والدین هادی الأمم
یا غوث من یستغیث الغوث ملتجئا — لها من مغیث له یا کاشف الغمم

یا ماحی

یا ماحی الکفر والفساد من الشطط — یا علة الکون للأنوار والظلم
یا شافی الصدر من غل ووسوسة — یا معدن الجود والإفضال والکرم
أنت الملاذ لنا فی کل نائبة — والمفزع عند کل الکرب والألم
قد مسنا الضر والتحقیر والوهن — من أهل ذنبهم یا مالک الذمم
أین الخلاص من الأعداء یا سندا — للمؤمنین ورکن البیت والحرم
عجل لأجل رواج الدین قد کسدت — أسواقه لرواج الکفر فی القمم
یا معلن الکلمة العلیا بدعوته — یا محیی الحق بعد الضعف والهضم
یا من به یرزق الأحیاء بالقدر — یا علة القبض والأمطار والدیم
یا والی الملک یا ذا السیف والخطب — یا صاحب السیف والأمر قائم القلم
یا لیتنی قبل موتی سیدی أدرکم — إذ أنت تحکم ما والسطح کالإرم
یا أم خلفک للصلاة بسبعة — عیسى بن مریم روح الله فی الحرم
جبریل والقلعن بیابع رغبة — من ذا یبعثه الأملاک بعثتهم
یا من بطلعته الغراء منتظر — الجن والأنس والأملاک والعجم
یا محیی الأرض بالعدل یأتیه السعد — یا رافع الظلم والبدعات والجرم
یا مالئ الأرض قسطا بعد ما ملئت — جورا وظلما یا حی الملک بالحکم
یا ملجأ الناس والناصر لمن — یرجو النجاة بکم یا عالی الشیم
ذابت القلوب أیام الله انقطعت — إنا دعونا فی دین الله مخترم
المال منتهب والعرض منهتک — والشأن منخفض والناس منهزم
أبدت لنا ضغنا أقوام طاغیة — بالرزء والقهر والإذلال والکلم

جزء اخیر و قسمت ثانوی

غلط

غلطیات منظومه

بنده فانی ناصح

دهخوارقانی

از کتاب آیات الظهور

شکایت علی المؤمنین الارض ما سند	انّ الامانة والانصاف منصرم
یا صاحب الفرج البهی منجلین	یا نورک من کل فج صادق الهمم
استغفر الله من نطقی ومن کلمی	کل الامور بحکم الله ینتظم
هکذا المقالة من ضعفی و منقصتی	وقت الظهور بامر الله منحزم
الواله العاصی لعفو ذنوبه	اهدی بمدحه فی شیمة الخدم
کتحفة النمل شاناً فی حقارتها	یرجو الشفاعة یا کهفی و معتصمی

اعتذار عن الادباء الکرام

پیرانه سر بضعف قوا نسخه شد تمام ٭ با دست رعشه تن خسته بخط خام

گر ضعف در عبارت بیربطی با مقام ٭ بینی گذشت کن بتو باد از من سلام

حرره المؤلف الفانی

(تخلّص) ناصح (واعظ)

الطبقة الثانیة

دهخوارقانی

سال ۱۳۱۸ هجری شمسی

بازرسی شد

منظومهٔ درّ عالم غیبت

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد حمد خالق عرش و سما و آب و خاک
بر نبی و بر علی صلوات هم بر آل پاک

(مقدمه)

اولا دانستن این نکته بهر اهتداء
بر سوی مقصد بود لازم بنزد ابتداء
تا که بی ربطی نه بیند در سخن اهل کلام
هم ملامت بر سخن گو ناید از اهل ملام

در معنی و فواید تمدن

یا عجبه الله

هتدا راه یافتن

نوع انسان را تمدن لازم آمد از ازل
چون بدان باشد معاش و دین و دنیا بی خلل
در تمدن دان تکامل نفس را ای هوشمند
در تمدن عقل مند از رشد زد بنیاد سود مند
لیک انسان چون بجلب نفع مجبول است او
تابع نفس است بدواً غیر معقول است او
هم تعالی و شرف مطلوب صنف آدمی است
هم لذاید مشترک در بین و جمله مشتری است
جلب نفع و دفع خصم و شهوت نفس و هوا
در نهاد آدمی بنهاده خالق بالسوا
لازم این اجتماع است جبر و قهر و مکر و شر
هم کشاکش بهر جلب منفعت هم دفع ضر
ظلم و غضب و قتل و هتک حرمت اندر ازدحام
لازم آید این همه در اجتماعات از عوام

در رسالت و سلطان

پس بود لازم بدنیا بهر حفظ جان و مال
بودن سایس برای دفع جنگ و قیل و قال

۱ نهاد طبیعت ۲ سایس حکمران

در رسالت

سال ۱۳۱۸ خورشیدی

کتب بعو مومی کر لسانی بنا شد زچرا
طعمه کرگ کشت بچه گوسفند از ماجرا
قریه بی کدخدا باشد خراب از عادیان
نحل بی یعسوب هرگز بر نه بندد آشیان
گر ببندد آشیان لیکن نمی آرد عسل
سست و بی کاراست تا یعسوب فرماید عمل
خانه بی سرپرست مشکل بود عمران آن
زود از پا بنشاید کاخ و هم ایوان آن
جسم انسان کان مرکب گشته از اعضاء چند
بوده است با حکم آنی خرد او پای بند
گر یکی زین حکمران و سایس چون پا و سر
نیست گردد می شود مختل جمله خشک و تر

در بنیاد سر رشته دین و حکمرانی

گر یکی بی علم باشد زین گروه سایه
می شود از استفاده کل نفس مایوسه
پس برای اهل دنیا لازم آمد کافی
عقل مند کافی و عامل بعلم کاملی

چون

چون بعجز و لابه گفتند ربنا ابعث لنا
یافت از درگاه حق اینسئلت اجر و ثنا
بهر دفع ظلم جالوت شقی طالوت را
داد شاهی حق عطا فرمود شانا بو ترا
حق بعلم و قوت جسما و روحی بحنات
داد برتری زی بعد از آن و دیگران شد بهنات

تنبیه از مقدمه مذکوره و جهت نصب حکام است از جانب خدا وند برای تعلیم آداب ادای وظیفه و تکلیف

چون بدانستی که بی شه هست بنیان از بیان
چون نهو بیهوده ابن لت بکنند از روز کار
هم چنان در زنکلیف زیر گنبد کار
حاکمی ز جانب حق لازم آید در جهان
هم صلاح خلق داند هم فساد روز کار
هم شناسد حق ز باطل هم نماید کار زار
هم حد و حق بداند هم طریق شرع دین
هم شرف را عیان آید هم شناسد زین و شین

عمر شکیبا دو عصا هم توانا در امور
سیما در کارهای دین نغز و نابد قصور
احتیاجات بشر را رفع سازد کامل او
رأفت خود جمله مردم را نماید شامل او
این چنان باید بود از صنف بشر
هم مؤید باشد از حق بر حقیقت با خبر
متصف با این صفات نغز نبود جز امام
او شده قطب و عالم ملجأ از بهر انام
غیبتش نزد خرد جایز نباشد بی سبب
چونکه در سترش بیفتند مردمان اندر تعب
این فواید که شنیدی باشد از مردم کنار
بیحضورش شرع و اسلامی نمی‌یابد قرار
پس بباید خوب دانست علت این ستر را
تا خلاص آید ز گمراهی بداند ستر را
با نجابت بنگر و بگذار طعنت بر کنار
منصفانه زین وجوه این علت را بر شمار

در بیان علت غیبت امام علیه السلام

مقتضای حکمتش باشد صلاح بندگان
او بداند خیر و شر ذره وا بندگان
شرح و بسط این بباید با عقل و خبر
تا نلغزد پای شخص ساده از تدلیس و مکر
تا بداند علت غیبت بطور ساده‌ای
گر تفکر در مضامینش نماید اندکی

شرح و بیان بر اقتضای حکمت

بشنو ای آنکه ترا توفیق حق آمد دلیل
هم بگو بر خصم منکر گر دلیل آید ذلیل
اولا فهمیدن اسرار احکام شهان
نیست لایق بر همه افراد ملت در جهان
اعتراضات از دنی پایه با عالی رتبه
زشت باشد نزد دانا نیست در این شبهه

توضیح کلام قبل با شاهد قرآن

حکمت جعل خلیفه در زمین چون خواستند
فوج املاک از خدای خویش طعنی ساختند

کرد اسما را بیان آدم جمیع املاک را
بو البشر از خاک تیره نور یافت افلاک را
از وجود فهم و دانش یافت عالم روشنی
هر کجا تابد نور علم گردد گلشنی

ایضاً بیان دیگر در اقتضای حکمت

هم غلط داند خردمند این جسارت از سقیم
گر کند ایراد یا تفتیش از فعل حکیم
عاقلان دانسته اند چون نیست حکمت را سؤال
از صحیح و تن درست صادر نگردد این مقال

ایضاً بیان دیگر در این معنی

هکذا ایراد شاگرد است بر استاد خویش
چونکه نبود مطلع از نقشه و تدبیر پیش
همچنین تعریض جاهل بر فعال عالمان
بر قبیح است بشنو از ناصح مباش از غافلان

غلط دوم در اینکه وجود ماه
شبیه قرص آفتاب است چنانچه مانند
قرص خورشید در زیر ابر مانع

شد مشابه از وجه تمثیل بر ذات امام
در افاضه نور اعظم بجمله خاص و عام
چون شده هر دو گشته روشن سما و نهار نیز
زین جهت خورشید با ذات امام دارد تمیز
همچنانکه او مربی بر همه باغ و چمن
از شعاع اوست رنگ و بوی گلها یاسمن
هم مربی بر همه انسان و حیوان و جماد
تربیت از بهر عالم گشته در ذاتش مراد
شد مربی بر عقیق اندر یمن هم لعل را
در بدخشان پرورد او میوه هر نخل را
هم یکی قرص است کافی بهر عالم در وجود
هم بگیرد ظلمت عالم را اگر باید خمود
هم بظلمت دیدگانست او بشر روشنی
هم بسرما دیدگانست او دهد گرمی
هم دل مهجور از نورش بهر او عین
بوده محتاج فروغش هر مهین و کهتر نیز
تا نیاید ظلمت شب چشم مردمان
احترام خور بود کمتر نزد این زمان

بیش رفت کارهای دینی از نور او
هم فراهم بودن اسباب عیش از جود است
هم چنانکه در زیر ابر ماند با اثر
هم چنین از نور او محروم ماند بی بصر
این چنین میدان بیان حال اهل منظر
گر بکری انچه گفتم عاقلانه در نظر

توضیح از برای علت دویم

چون رمد دارد دو چشم او نمی بیند کاه
ورنه چشم پاک و سالم نیست محروم از ضیا
مثل خفاشان گریزد از شعاع افتاب
چون ندارد نور باره او را توش و تاب
هکذا خفاش سیرت از شعاع نور حق
می هراسد و شتابان می گریزد در محق
در خفاء شمس خفاشان همی کردند جلوه
با طربها کی شبان تا رمی پرند سیر
هم چنان بین حال را در غیبت صاحب زمان
می بتازد عادیان و می بتازد فاسقان

علت

علت غائی است او مر خلقت شمس منیر
گر نمی شد او نبود عالم از نورش مستنیر

علت سیم

علت دیگر برای یک نور اندر عنق
قلت انصار شد تحقیق کن از ما سبق
کار با یک دست بی یاور نمی اید درست
چون زبد خلقت عالم راشد این باب
خاصه با نفس و طبیعت ضد باشد انغرض
ما نفستان امر را این شد طبیعت را مرض
تا جهان بوده چنین دیدند ارباب بصر
سفله کان باشند تابع بر طبیعت سر بسر

علت چهارم

امتحان بندگان است علت دیگر بدان
در وجوب امتحان را از کلام حق بخوان
ایه اول بود اثبات ان از عنکبوت
اشکار اورده در ان سوره حی لایموت

جاهلان زاد ابخوا این است و قضا
پس شود پامال دین او سفید د زخطر
میشود مرتد دیگر چاره نبود براو
اب زجود نعمت باری دیگران ناید بجو

علت ششم از علل غیبت آن امام

از علل دان امتیاز اهل شک از اهل دین
چون نشان اندازد ابلیس بعضی از اهل یقین
انفتد در پرده خواهد ماندن بس کثیر
تا که درباب بقایش شک کند خلقی کثیر
غیر انکه ممتحن بوده دل او از هدا

بیان حال منکر حضرت قائم در طول عمر و بقای وجود مبارکش

در بقایش منکر او منکر قران بود
منکر قران بود مرتد و در خسران بود
بر بقای خضر هم منکر بدا رد اعتقاد
برابو الدنیا و عوج بن عنق شداد و عاد
طول عمر نوح در نزدش ندارد اعتبار

منتظر هستند بر عیسی که اید از سما
لیک مانند اهل قران از شقاوه در عما
کور دل بوده نتابید بر دل نور حق
شب پره طبع است و باشد بدیلذا مستحق
قدرت باریتعالی را کند انکار او
کرده بر بینی خود اینهمه اصرار او
انکه ان چون طبیعی گشته با وجدان خود
مختلف در دین و عادت با همه اخوان خود

علت هفتم

علت دیگر بغایب بودن ان بن نبی
کثرت دشمن شد از قوم غوی وهم شقی
کثرت دشمن ازانسو قلت اعوان یار
علت مستوری شه شد که تا دکار وبار
بر دعا افتتاح از ناحیه مکن رجوع
بین که شکوه میکند زینحال از راه خضوع

علت هشتم زیادت ثواب انتظار

علت نهم

شد تقیه علت دیگر بستر آن اما
گرچه شد تقیه را بیخال زخدا هر امام
لطف حق باشد تقیه از برای شیعیان
صبر نیکو گر نمایند بر فشار دشمنان
در تقیه اجر بر مؤمن مضاعف آیدش
گر کند صبر و تحمل فضل دیگر شایدش
لیک از اولی تقیه میشود ضد حرام
چون بدفع ظلم و عدوان او نفرماید قیام
مثل نوح و لوط باشد در زمان حال او
چون امامان بگذرد ایام و ماه و سال او
گر کند صبر و تحمل بر جفای دشمنان
مثل آباء گرامش میشود او کشتگان
در شکنج دشمنان داند جان با تیغ و ستم
دیده شان پر اشک بود و قلب پر انده و غم
گر یکی زان پیشوایان از میان میرفت بود
بعد از او یک حجت دیگر بجای او وجود
لیک بعد از منتظر دیگر نیاید حجتی
حق از او ده داشته مستور ماند مدتی

ور بجهر و جبر قسر اقدام فرماید همی
با ز ضد قصد حق آید نکو منگر کی

علت دهم در صفحه مقابل

قصد حق این است باشد رغبة اختیار
ورنه نعم بعنی ندارد طاعت با اضطرار

گفته لا اکراه فی الدین شاه خیل انبیا
از ره خوف و ضرورت مدحتی باید بدین

علت

سال ۱۳۱۸ خورشیدی

علت دیگر برای استتار آن وجود
وعده حق بوده است او را بیوم زاد بود
تا که حق فرموده خود را کند لطفا وفا
سطح گیتی را نماید پاک از ظلم و جفا
چونکه گردد پر زمین از ظلم و عدوان برملا
ناگهان از آسمان بهر فرج آید صلا
تا شود ظاهر بشمشیرش کند تا تم قیام
جمع گردد نزد او اهل صلوة و هم صیام
پر نماید روی گیتی را ز عدل و قسط و داد
تا دگر بارع ز عدل او جهان آباد باد
بایدش تا وقت معهود غیبت و برقرار
بوده باشد با وجودش قطب عالم استوار
هم نبات از خاک روید هم ببارد از سحاب
ایمن آیند عاصیان از خسف و محروس از عذاب

علت یازدهم

دیگر آنکه هر چه واقع بوده در عهد قدیم
اندرین امت شود واقع بلا شک ای ندیم
رفته را آئینه آینده دان اندر جهان

داب صنع و خوی خود را تازه کرد ند زمان
یاده از انبیا و بعض هم از اوصیا
گشته مستور از نظرها هم چنین از اولیا

روح یعنی عیسی روح الله ع

مثال در یش دگر آصف دگر موسی الکلیم
ارمیا و هم چنین اصحاب کهف هم رقیم
وصی اشیث مخفی بود تا ایام نوح ع

پشت پرده بود جمعی از حواریین روح
بوده تاریخ حیات جمله مضبوط از کتب

بوده اند از خوف اعداء مدتی اندر حجب
ستر و غیب حجة الله گشته حق را آیتی
تا کشاید بر سر دین از حمایت رایتی
شد شبیه جد خود خاتم بکل اوصیا
همچنانکه بود جدش ختم جمله انبیاء

علت دوازدهم

آخرین علت بستر حضرت صاحب زمان
بودن اوتاد و ابدال است با هم در جهان
جمله با اسم و نسب مذکور بوده در سیر
مثل مشکوة بروجردی و نور معتبر
هر کی از آنهاست طی الارض و ابر جمله
جمله در دیگر و جمع آیند هنگام ندا
عده شان باشد بمثل عده اصحاب بدر
قدرشان در نزد ایزد هست چون شبهای قدر
تا نگردد جمع اوتاد زمان در حضرتش
نیست لایق غیر ایشان هیچ کس بر خدمتش
امتر معدوده معلوم است در قرآن حق
غیر ایشان کیست بر انصار بودن مستحق

نویسندگان علائم غیبت رشته سنی در نظر و علامت ...

یافت انجام این دوازده علل از لطف حق
ورنه این بنده کجا باشد بسلک من سبق
اینهمه مضمون اخبار است منظوم آمده
هم ز نمل لولاست قرآنست مفهوم آمده
این علل را نظم بر نثرش ازان شد اختیار
چون کلام نثر حفظ آن نیارد اعتبار
در هزار و سیصد و پنجاه و یک این پیر مرد
بهر اهل طالبان را این علل تحریر کرد

حرره العبد الفانی ناصح ... فی ۱۳۵۱

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

۴۶۲
آ ۱۵۹
۱۳۱۱